

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۸

پیکار

۱۲ صفحه

سال دوم - دوشنبه ۵ آبان ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

لایحه صفحات دیگر این شماره

- اخباری از کردستان قهرمان ۵ صفحه
- در جبین رویو نویسنی چه میگردد؟ (۲) ۱۲ صفحه
- مصاحبه با رفقا حسین و روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۷) ۱۳ صفحه
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۹) ۶ صفحه
- پاسخ به نامه ها ۶ صفحه



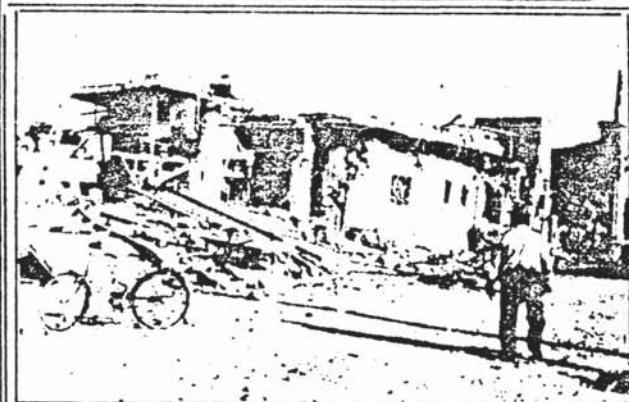
اطلاعیه وحدت با گروه انقلابیون آزادی طبقه کارگر

وحدت با رفقای ۱۳ انقلابیون آزادی طبقه کارگر ۱۳ رمدنها پیش در دستور کار ما قرار داشت در ابتدا ما را مانع توجه در خوری به امر وحدت داشت. حاکمیت انحراف بر اسب سرنایمان ما در این زمینه سزائات زیاننا را خود را بر خای میگذاشت. کم توجیهی به مبارزه اندولوزک در سطح جنبش و از همین راه کم توجیهی به امر وحدت با سایر گروهها و محافل درون جنبش کمونیستی صورت گرفت. این انحراف بود: بقیه در صفحه ۱۸

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

پاسخی به لاطائلات روزنامه اطلاعات

۱۰ صفحه



منتخبی از اخبار جنگ ۱۷ صفحه

جراهمه فرماندهان ارتش "حر" اند؟! ۲۱ صفحه

نگاهی به: جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویزیونیستها

۱۱ صفحه

سرمقاله

پرچم لنینیسم را برافراشته نگاه داریم

رفقا! در شرایط بسیار حاد و سختی که امروزه در عراق و ایران و سایر نقاط منطقه مشاهده می شود، ما را از هر سو به مخالفت و منظره در ایران علمبرنامه ها و دوا رها سارا بغلات محفلان به سبب می رود و جنبش سوسیالیستی که در شرایط انقلابی لیکن آن محسوس می شود میسر و اوضاع انقلابی را بسوزد مدهد. ما بدو هم بوده ها را فاسد و رخت. این است یکی از موانع اساسی گسترش انقلاب! اما مشکل تنها تو هم بوده ها نیست، مشکل سبب و غرض و هدف جنبش کمونیستی ایران بر سر مسائل و روابط است که مشکلات جنبش مارکسیستی لنینیستی ایران از جمله در ارتباط با بحران جنبش کمونیستی است. لعلی قابل توضیح است. ۲۴ صفحه

جریانهای جنگ

پیکار

عزت کرم متعلق به کنگره خونین تومار میزند

روزنامه های غربی و شرقی

تقدیر از حزب درین جنگ چه میکنند

ایستادگی افکار

روشنی و روشنایی

دکتر سید

مردم ایران

مردم ایران

مردم ایران

سفر رجائی به نیویورک

۲۴ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

پرچم ...

هم اکنون جنبش جهانی کمونیستی که با پیکر خونین و زخم آلود از ضربات رویزیونیستهای مرتد خروشقی و سه جانی در شت و تفرقه بسر میبرد دجا را انحرافات کوناگون است و در حال حاضر فاقد ستاد قوی و نیرومند کمونیستی و بیسن - المللی میباشد.

امروز در شرایطی که جنبش جهانی کمونیستی دجا رتفرقه، پراکنده، ضعف وی با یکی در توده ها و با لایحه طبقه کارگر است، انحرافات کوناگونی گلوگاه ما رکیست لنینیستهای جهانی را میگذرد. جلوه ای از این انحرافات در برخورد برخی از کمونیستهای جهان به وضعیت جنبش انقلابی ایران و ما هیت قدرت سیاسی حاکم نظا هر پیدا میکند. در اینجا روی سخن ما آشکارا با حزب کارآلبانی است که از جمله پرچمداران مبارزه در رویزیونیستی است. این رفقا در برخورد به برخی از مسائل و از جمله در برخورد به مبارزات مردم ایران دجا را انحراف گشته و با "مترقی و ضدا میریالیست" خواندن رژیم ایران و حمایت از آن در قبال جنگ ارتجاعی کنونی، آشکارا به جنبش کمونیستی و انقلابی ایران لطمه میزنند!

اما رفقا مسئله بدینجا ختم نمیگردد. در داخل جامعه خودمان، رفیقان نیمه راه یک بیک به ما رکیسم و انقلاب پشت کرده اند. چرا که حدت یابی مبارزه طبقاتی مجالی برای حفظ دوستیهای پیشین بدست نمیدهد و هر کس ناگزیر است راه خویش را انتخاب کند. تندپیجهای تاریخی، از ما پشای دشواری پیش پای کمونیستها مینهد. که کمونیستهای پیگیر باید آن را از سر بگذرانند. یکی ارتندپیجهای جامعه ما یعنی واقع سفارت نتایج بسیاری را در بر داشت.

در پی آمادین تندپیج و در طی یک روند، بخش مهمی از سازمان چریکهای فدائی خلق به ورطه رویزیونیسم خروشقی و اتحادیه کمونیستها به اپورتونیسم منط آلوده به گرایشات عمیق به جهانی در غلطیدن! در این تندپیج تاریخی بعد از قیام، کمونیستهای پیگیر از آزمایشی سخت سر بلند بیرون آمدند. دومین تندپیج پس از قیام، جنگ ایران و عراق بود. در این تندپیج اتحادیه کمونیستها به دفاع فعال از بورژوازی حاکم، دولت ارتجاعی موجود و جنگ نا عادلانه پرداخته و همدا با بورژوازی به تعرض علیه انقلاب و نیروهای پیگیر دست میزدند و بدین ترتیب این نیرو به منجلا با مل اپورتونیسم در غلطید. در این تندپیج نیروهای نا پیگیر و متزلزل جنبش کمونیستی ایران انحرافات خود را تعمیق بخشیدند. رفقای "راه کارگر" و رفقای "رزمندگان" انحرافات رویزیونیستی

خویش را تعمیق نموده و دم بدم انحرافات راست - روانه شان را شدت بخشیدند. و در این میان برخی دیگر از نیروها نیز دجا را انحرافات "دفاع - طلبانه" کردند.

رفقا! تندپیج سختی را با بد از سر بگذرانیم! اگر در تندپیج واقع سفارت، سازمان چریکهای فدائی (اکثریت امروز) خواهان صلح و سازش با رژیم در کردستان گشته و به دفاع از مبارزه "ضد امپریالیستی" جناحی از هیات حاکمه برخاست و بالاخره سقوط نمود، در تندپیج جنگ ایران و عراق، نیروهای کمونیستی نا پیگیر در سر آغاز چنین راهی قرار گرفته اند. اینان نیز در چنین شرایطی عمده نمودن مبارزه علیه ارتجاع داخلی را انحراف میدانند "دفاع از میهن"، صلح در کردستان "تصیحت به هیات حاکمه فدائیان" که به سرکوب انقلابیون نیر دازد، توصیه به رژیم برای صلح نمودن توده ها و دست آفرینان آشکار رفقای رزمندگان در دفاع از "گرایشات ضد امپریالیستی" خرد بورژوازی حاکم، همه و همه رنگ خطرا بعدا در میا ورد و نگرانی کمونیست - های پیگیر را افزون ترمی نماید.

رفقا! در غلطیدن به منجلا با رویزیونیسم و اپورتونیسم در جامعه ما با سرعتی شگرف صورت می پذیرد. اگر در قبال بعد از گذشت چندین سال در دوران افت جنبش، در سال ۵۶ انشعاب دارو دسته رویزیونیست منشعب از چریکهای فدائی خلق تحقق یافت، اکنون کوران مبارزه طبقاتی بیش از یک سال مجال ندارد که انشعاب بزرگی را در درون این سازمان بوجود آورد و بخش مهمی از این سازمان را به دامان رویزیونیسم در غلطاند! نگاهی به سیر انحرافات و وضعیت سازمانهای جنبش انقلابی و کمونیستی نیز این حقیقت را بیش از پیش به نمایش میگذارد و نگرانی ما را بحق افزون میکند. آری، پشت نمودن به پرچم لنینیسم، سر پوش محتوم همه آن جریانهای است که راه سازش با هیات حاکمه را در پیش میگیرند.

شرایطی که ما در آن بسر میبریم به لحاظی همچون سالان ۴۰ و ۵۰ قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپا است. بیاد آوریم سالیان ۱۸۴۰ تا ۵۰ را که آلمان در بحبوحه انقلاب بود اما جنبش چپ پراکنده و ضعیف بوده و انحرافات اپورتونیستی، بورژوازی موجود در آن بیشمار بود. در چنین هنگامی آموزگاران پرولتاریا ما رکن و انگس، پرچم پرولتاریا را برافراشته نگاه داشتند و با مبارزه پیگیر، پیروزی پرولتاریا و حقایقیت ما رکیسم را به اثبات رساندند. بیاد آوریم دهه های اول قرن بیستم را که دوران سیادت کامل اپورتونیستها در جنبش کمونیستی جهانی بود و در روسیه بخش مهمی از جنبش چپ آلوده به اپورتونیسم بین الملل دوم

کردید. اما در همین زمان روسیه حلقه ضعیف رنجیر امپریالیسم و سرزمین انقلاب بود. بلشویکها به رهبری رفیق لنین پرچم را برافراشتند. نکات داشتند و در تماشای جهان آن را به انتشار در آورده. لنین پرچم ما رکیسم را پدید گرفت. دژ اپورتونیسم و رویزیونیسم را درهم کوبید و در راه انقلاب فاطما به بدین رفت. و با لائسره پرولتاریای روس در پرچم کسر لنینیسم، انقلاب اکسیرا به پیروزی در جهان رسانید.

رفقا! ما نیر در شرایط سختی بسر میبریم. ایران در آلتها بجنبش توفنده و اجگیرنده توده ها بسر میبرد، سید پیج حک ایران و عراق خطوط درون جنبش کمونیستی را مشخص تر ساخته و چه بسا رفیقان نیمه راه دیگری را از مدار سازد و در میان توده ها بدلیل توهم، تسداریک انقلاب دشوار گشته است. لیکن آینده از آن ما است! از یک سو فلاکت جنگ و تسدید ما لنینیست انقلابیون، توده ها را آشکارا هر خواهمد و توده ها بیش از پیش بسوی لحظه ای که لوله تفک را به طرف ارتجاع حاکم نشا به کرمدا ندخواهند رفت و از سوی دیگر در ف جنبش کمونیستی سر از تار سر جدا میگردد و در این میان رفیقان نیمه راه آشکارا ما هیت خویش را بر ملا مبارزند و صف کمونیستهای پیگیر فشرده بر میگرد. آری این تندپیج نتایج بسیاری را برخواهد آورد و ما دیگر کمونیستهای پیگیر، به انکا مبارزه ایدو - لویک با انحرافات جنبش کمونیستی و به انکا پیوند با پرولتاریا و زحمتکشان ستاد رزمنده پرولتاریا حزب کمونیست ایران - را تدارک خواهیم دید. حزبی که پرچم ظفر نمونش لنینیسم است.

رفقا! شرایط دشواری است. در کوران تند پیج عظیمی قرار گرفته ایم. اما ما مصمم گشته ایم که در این تندپیجها نه تنها دجا رتزلزل نگردیم نه تنها از انقلاب دوری نجوئیم، بلکه همیشه و همواره به منافع انقلاب و طبقه کارگر بیندیشیم و در این راه فاطما نه به پیش رویم، راه مبارزه انقلاب است چرا که پرچم ما لنینیسم است.

رفقا! برای دفاع از منافع طبقه کارگر، برای دفاع از پاکیزگی مارکسیسم لنینیسم بر اساس خط اصولی سازمان در قبال جنگ، فعالانه بکوشیم! انحرافات رویزیونیستی بورژوازی در جنبش کمونیستی و انقلابی میهن را افشا کنیم و

پرچم ظفر نمون لنینیسم را برافراشته نگاه داریم! آینده از آن طبقه کارگر است. این حکم تاریخ است.

★★★

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



حمایت کارگران "سپیدرود" از شورایشان

مدتی پیش مجمع عمومی کارگران بدعوت شورای کارخانه تشکیل میشد که علیرغم تهدیدات کارفرما (که کارگران را در صورت شرکت در مجمع به غیبت و جریمه تهدید کرده بود) حدود ۵۰ نفر در آن شرکت داشتند. فردای آن روز حسینی رئیس پاکسازی به همراه نماینده استان - داری و عده ای دیگر به کارخانه آمد و قصد صحبت با شورا را داشتند که به علت پا فشاری نمایندگان شورا، مجبور میشو ندر حضور تمامی کارگران صحبت های خود را بکنند. ابتدا حسینی بعد از مقدمه چینی های زیاد مسئله "پاکسازی" را مطرح میکنند و به این بهانه گویا در کارخانه به ما متوهین شده! (درست همانطور که سابقا و اکنون هم می توان به بهانه توهین به "شخص اول" مملکت "بگیر و ببند" می انداختند) در این هنگام یکی از نمایندگان شورا اجازه صحبت میخواهد ولی آنجائی که حسینی به او اجازه نداده و نوبت را به همپا لگسی اش یعنی نماینده استان در میدهد، کارگران اعتراض میکنند، که در جواب حسینی میگوید: "آقایان حرفهای خدا سلامی نزنید!" بدنبال این جریان کارگران متوجه میشوند که حسینی قصد توطئه چینی و تفرقه افکنی در صفوف کارگران را دارد، لذا همگی محکم و یکصد شاعران می دهند: "شورای انتحاری موردنا شد ما ست" و حسینی که می بیند توطئه - هایش نقش بر آب شده، دوش را روی کولش گذاشته می رود!

زننده با آگاهی و اتحاد کارگران!
بمنقل از نشریه شماره ۵ بیک چوکا

گزارشی از انعکاس جنگ ایران و عراق در يك کارخانه

رژیم از آن بهشتی خوابی و خوابی میگوید تا با تشدید استعمار کارگران خسارات این جنگ را جبران کند و سودهای خود را به داران را مانند گذشته تامین کند.

انجمن اسلامی، گروه های بسیج را که حدود ۶۰ الی ۷۰ نفرند هر شب به پاسداری و تعلیمات نظامی و ایدئولوژیک وادار میکنند. حدود ۱۰ نفر از کارگران منقضی خدمت سال ۵۶ به خدمت اعزام شده اند، که بعضی از آنها با ترس و بی ازاری به جبهه رفته اند و کلا ۳۰ نفر منقضی خدمت ۵۶ و ۲۰ نفر از گروه های بسیج به جبهه اعزام شده اند که همین موضوع کار بقیه کارگران را سنگین تر نموده است.

مسئله خاموشی شب و اثرات آن یکی دیگر از عوارض جنگ است. خاموشی در این کارخانه باعث شده که یکی از کارگران به زیر ماشین رفته و کشته شود، که چند نفر از اقوام و دوستان کارگران نیز به همین ترتیب دچار مرگ و یا کشته شده اند از جمله تا شیرات دیگر خاموشی ضعیف شدن اعصاب کارگران است. اگر جنگ شدت یابد فضا زندگی بر کارگران بیشتر میشود و حتما بر علیه این جنگ مبارزه خواهند کرد.

عده ای از کارگران که در ابتدا تحت تاثیر تبلیغات "میهن پرستانه" و "دفاع از میهن" از رفتن به جبهه و جنگ دفاع میکردند، بعد از به آرایشهای ناسیات یعنی و غیره نسبت به آینده بحالت شک و تردید افتاده و مثلاً مطرح میکنند که "ما چند سال عقب افتادیم حالا چقدر طول خواهد کشید که جبران این خسارات را بکنیم" البته فائزها و کسان دیگری را لحاظ مادی وضع تثبیت شده نری دارند، هنوز به پیروزی اسلام و سرنگونی مدام معتقدند، انجمن اسلامی که بشمولیت شورای کارخانه و اربابز کردن چند روز حقوق را بحساب ۷۷۷۷۷۷ تبلیغ میکنند و در ابتدا توانسته بودند دیگر روز حقوق را از همه کارکنان به این منظور بگیرند، بعد از مطرح کردن هر کسی حاضر است حقوق روزهای بیشتری را بدهد که در این مورد تعداد زیادی بین ۲ تا ۳ روز حقوق خود را در ماه مهر منظور نمودند. بیشتر کارگران تأیلات "دفاع طلبانه" دارند، یعنی وقتی که از جنگ کارگر پرسیدم که اگر زمان شاه بود این جنگ بوجود میامد، آیا به جبهه میبرفتیم؟ همگی می - گفتند بلیه. در رابطه با شرایط جنگ مسائل صنفی دشوار است، گرچه قبل از جنگ حق تولید سود و بهره و غیره مطرح بود اما اکنون اگر از طرف کسی این مسائل مطرح شود، فائزها و سرپرستان با برخ کشیدن جنگ و اینکه "برادران مادر جبهه کشته میشوند و شما دنبال حقوقتان هستید" عکس العمل نشان میدهند. در همین رابطه تا حدود زیادی کارگران به این قضیه که جنگ سر - پوشی است برای مخفی نگه داشتن فشارهای پی برده اند در حال حاضر با سوء استفاده از جنگ فشار کار زیاد شده است. بطوریکه شورا و سرپرستان کمکاری و اعتراضات دیگر را حرکت ضد انقلابی میدانند پس از بهمان کارخانه و به علت کمبود مواد، تولیدش پاشین آمده به همین خاطر کار کارخانه نه که سه شفته بود و شفته شده، البته قبلا گفته بودند هر شفته از کارگران ۲ روز در هفته را ۱۲ ساعت کار کنند، که کارگران از این قضیه دلخور شده اند (سرپرستان کار هر چه بیشتر را تبلیغ میکنند) و اگر دو شفته بصورت رسمی اعلام شود کارگران به ما هیت جنگ و سوء استفاده

با اخراج کارگران به مقابله برخیزیم!

در صورت تعطیل کارخانه، کارگران باید حقوق کاملشان را دریافت کنند

مؤذیان کارگران را از شرح اخراج میترسانند و از آن بعنوان چماق سرکوب استفاده میکنند. کارگران مبارز!

شما در این شرایط تنها با تشکیل شورا های واقعی کارگری که میتواند از اخراج کارگران و سایر مسائل جنگ جلوگیری کنید، شورای کارخانه در این شرایط باید حقوق اخراج کارگران را از کارفرما بپایان گرفته و آن را در اختیار خود بگیرد کارگران در صورت تعطیل کارخانه باید به حقوق کامل خویش را دریافت کنند.

توده های زحمتکش که در بوجود آمدن این جنگ هیچگونه نقشی نداشته اند، بیشتر به بدبختیها و فلاکت های ناشی از جنگ را بدوش میکنند. از جمله مسائل جنگ اخراج کارگران و تعطیل کارخانه ها میباشند.

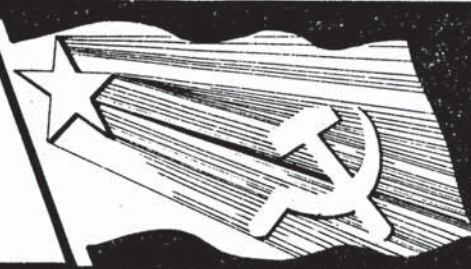
سرمایه داران و رژیم بدلیل کمبود ورود مواد اولیه از جنوب از آنجا که نمیخواهند بخشی چند روز همگه شده سودش را بپایان بیاورند، فوراً دست به اخراج کارگران و تعطیل کارخانه میزنند، در سایر کارخانه ها نیز کارفرمایان

پیش بسوی تشکیل شوراهای واقعی کارگری

نیمه شماره ۹۲

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌ای



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۲)

چگونه در خفا یا نه‌ای سینه‌خیز جلوی تانک‌ها سر می‌گردند و شعار "شاه‌ک زنجیری آمریکا" می‌زنند؟ رژیم مزدور را می‌لرزاند. ما توده‌ها را هم در حالت تسلیم و هم در حالت طغیان دیده‌ایم.

الف - قوانین تبلیغ

در شمار قبیل به تعریفی مقدمه‌ای از تبلیغ برداشتیم از این شماره به بررسی قوانینی که تبلیغ باید بر آن متکی باشد می‌پردازیم.

۱- شناخت "غرایز طبقاتی"

و احساسات متغیر توده‌ها

(نبض توده‌ها را در دست داشتن)

تا بدست‌عجب کسی در ما از "غرایز طبقاتی" سخن می‌گوید. مگر نه اینست که خلق و خوی توده‌ها را شرایط اقتصادی اجتماعی زندگیشان تعیین می‌کند؟ این درست است، اما برای این گفته درست باید افزود که برای تشریحها ستم طبقاتی، غرایز خاصی در سوده‌ها بوجود آمده است. زحمتکشان در ارتباط با شرایط اقتصادی زندگی‌شان، دچار روحیات خاصی شده‌اند. مثلاً دهقانان به علت قربت با کارهای زمین‌داری و کثرت فقر و محنت و محدودیت‌های ویژه‌ای است که محصول وضعیت او را تسلط بر تولید است. یا طبقه کارگر و خلق و خوی جمع‌گرایی دارد و در این رابطه لنین غرایز مثبت و منفی طبقاتی توده‌ها را چنین دسته‌بندی می‌کند:

۱- حالت رکود انسانها، تسلیم‌پذیری، فقر و فقدان حقوق و عادت به ستم.
۲- اعتراض، خشم و پارتی و طغیان علیه سرچشمه بلا و افسوس فقر، ولی نه طغیان و اعتراض و خشمی که توسط تئوری اجتماعی آموزش پیدا کرده و روشن شده باشد. (۱)
ما این نظریات را در زندگی اجتماعی خود بخود تجربه کرده‌ایم. مثلاً سال ۱۳۵۰ را در نظر بگیرید. اگر جلوی عده‌ای از کارگران، شعار مرگ بر شاه را طرح می‌کردیم، با ترس و لرزه اطراف خود نگاه می‌کردند و بی احتیاطی ما را سرزنش می‌کردند. مبارزات توده‌ها اندک و آنهم عمدتاً در چارچوب مبارزات اقتصادی بود. چه بسا اعتماد باقی در برخی کارخانجات بزرگ‌تر میشد که اعتماد بکنندگان را عکس‌شاه‌ها را در جلوی تظاهرات خود حمل می‌کردند. اما حال سال ۱۳۵۷ را در نظر بگیرید. همان توده‌های سال ۱۳۵۰ که از شنیدن شعار مرگ بر شاه می‌ترسیدند و مایل به بحث‌های سیاسی "خطرناک" نبودند،

هر زمان بشناسد، مبلغ با بستی این نکته را در یاد که تا توده‌ها بیشتر در حالت رکود هستند؟ با آرم آرام خشم و اعتراض توده‌ها سرریز می‌کند؟ دوران رکود است؟ اعتلا انقلابی است و بی‌موقعیت انقلابی؟ هر چه توده‌ها از روحیه رکود و تسلیم‌دور می‌شوند و آتش‌فشانان خشمشان شروع به طغیان می‌کند، تبلیغ اشکال نوین تر پیدا می‌کند. در دورانهای رکود یا پدید توده‌ها نرم - تر، صبورانه‌تر و آرام‌تر سخن گفت و با تشریح مسائل جاری و ملموس، خشم و نفرتشان را بر - انگیزد، در حالیکه با حرکت توده‌ها به تئوری دورانهای انقلابی میتوان تندتر، آتشین‌تر و پر شورتر با توده‌ها صحبت کرد تا چهره‌ها که در دوره‌های رکود بی‌خشی و به آرامی باید تبلیغ میشد اکنون با تندترین الفاظ و اشکال می‌توان تبلیغ کرد. بدین ترتیب باید همواره تبلیغ توده‌ها را درست داشت و دانست که توده‌ها

* ما باید توجه داشته باشیم که، چه بسیار تجربیات توده‌ها که اکنون کهنه می‌ارزیند و چه احساساتی که ناپسند و مخالف مصالح انقلابند، اما اگر ما اهمیت عظیم بحساب آوردن این خلق و خوی توده‌ها را در امر گراقت و تبلیغ نشناسیم، مبلغین خوبی نخواهیم بود.
* در تبلیغ ما وظیفه داریم، برای آگاه کردن توده‌ها برای به هدایت در آوردن غرایز طبقاتی توده‌ها و ایجاد راسخ‌آشنای احساسات انقلابی آنها، روحیات توده‌ها را در هر زمان مشخص بشناسیم و در امر تبلیغ بحساب آوریم

دارای کدام احساسات و روحیات هستند، البته دانستن این امرها منظور که شرح خواهیم داد بهیچوجه موجب آن نباشد به توده‌ها در مقابل این احساسات تعظیم کنیم، بلکه ما برای آنکه آن احساسات غلط و روحیه تسلیمی را که طبقات استثمارگر با هزاران حیل و زور در توده‌ها ایجاد کرده‌اند را بشناسیم، باید احساسات توده‌ها را در هر زمان بشناسیم.

پس در تبلیغ ما وظیفه داریم، برای آگاه کردن توده‌ها، برای به هدایت در آوردن غرایز طبقاتی توده‌ها و ایجاد راسخ‌آشنای انقلابی آنها، روحیات توده‌ها را در هر زمان مشخص بشناسیم و در امر تبلیغ بحساب آوریم.

- رابطه احساسات با تجربیات توده‌ها

گذشته از آن غرایز طبقاتی که محصول قرن‌ها ستم طبقاتی است، تجربیات مشخص توده‌ها نیز بر احساسات آنها تأثیر می‌گذرد. تجربه زندگی توده‌ها، اشکال مبارزاتی، نوع رهبری و ... سابق توده‌ها بر روی خلق و خوی آنها تأثیر بسیار دارد. فی‌المتال توده‌ها شیکه یک قیام را پشت سر گذاشته‌اند، برای قیام مجدد ما دگی بیشتری دارند و تجربه مبارزات توده‌ها تحت رهبری آیت‌الله خمینی بر علیه شاه‌ها و متشاحساسات متهم‌کنونی توده‌ها نسبت به وی پس از سرنگونی شاه است. بسیاری هنوز فکر می‌کنند و همسنگ‌آنهاست! بدین ترتیب تبلیغ شعار سرنگونی دولتهای غد خلقی که توده‌ها هیچ

بقیه در صفحه ۷

تبلیغ باید این قانونمندی غرایز طبقاتی را بشناسد و در فعالیت خود آنرا بحساب آورد. مثلاً تبلیغ ضرورت سرنگونی شاه و وابستگی رژیم شاه، به آمریکا هم در سال ۵۰ و هم در سال ۵۷ با بستی انجام می‌گیرد، اما طبیعی است در سال ۵۷ توده‌ها برای احتی به تظاهرات مرگ بر شاه می‌پیوندند، در حالیکه این تبلیغ با بستی در سال ۵۰ با توجه به روحیات توده‌ها در آن زمان، اشکال حالات و ویژگیهای مناسب خود را پیدا کند. بدین ترتیب تمامی میان غرایز طبقاتی توده‌ها وجود دارد (تضاد میان روحیه رکود و تسلیم و خشم و اعتراض) تبلیغ با بستی بگوید این تضاد در سوره روحیه خشم و طغیان توده‌ها حل شود و از طرف دیگر این روحیه خشم و اعتراض توده‌ها از حالت خود بخودی که میتواند حتی در خدمت سرمایه‌داری نیز در برابر رخ شده و آگاهانه عمل کند، پس با بستی تبلیغ از یکطرف آن نفرت فروخته زحمتکشان از استثمارگران و آن شور و خشم انباشته شده از ستم‌ستگران طی سالها رنج و استثمار را در توده‌ها بیدار کند. آن روحیه تسلیم و رکود که ناشی از قرن‌ها سرکوب‌ظلم و جهل توده‌هاست را در هم کوبد و بجای آن برخشم آتشین توده‌ها نسبت به ستمگری بدمد و از طرف دیگر تبلیغ با بستی این خشم و اعتراض خود بخودی توده‌ها را با آگاهی کمونیستی درهم بیا می‌زد و آن را مانند رودی خروشان در کانال درهم کوبیدن سرمایه‌داری هدایت کند.

گذشته از موارد فوق، آنچه که تبلیغ باید بدین آنگی باشد اینست که روحیات توده‌ها را در

"آدینا" ن"یورش برده و حدود ۱۵ نفر از مردم زحمتکش روستا را بگروگان گرفتند. رژیم جمهوری اسلامی، با گروگانگیری مردم بی دفاع بدست مزدوران خود، دستها را توانی خود را در مقابل جنبش مقاومت خلق کردنشان میدهد. چندی پیش نیز مزدوران رژیم عده ای از اهالی "کاکاسیاب" و "ماحب" را نیز به گروگان گرفتند که تا بحال در بدترین شرایط بهداشتی و غذائی در بازداشتگاهها پادگان بسر میبرند.

سندج

اختناق جمهوری اسلامی!

با سداران و جاشها اهالی حمله آفرین شهرسندج را زیر فشار و خفان قرار داده اند. آنها به این بهانه که پیشمرگان در خانه های مردم سر میبرند خانه ها حمله میکنند، محلات را کنترل کرده و شبانه روز به نگهداری و کنترل رهگذاران در خانه ها می پردازند. اهالی محلات اطراف پادگان تحت فشار مزدوران جمهوری اسلامی خانه های خود را تخلیه کرده اند. مزدوران رژیم میخواهند با چند دورسیم خاردار و مین گذاری اطراف پادگان، پادگان را از حملات پیشمرگان رزمنده در آن نگه دارند. جاده سندج - کرمانشاه نیز تحت کنترل شدید مزدور ضد خلق می باشد. پادگان و جاشها اشیوسها و ماشینهای را که از سندج خارج میشوند تا فاصله ۴۰ کیلومتری از شهر بیش از ۴ بار مورد بازبینی و تفتیش قرار میدهند. آنها علاوه بر بازرسی بدنی مسافران و وسایل آنها را نیز بدقت بازبینی میکنند.

ارومیه

مزدوران شاه،
چماق سرکوب جمهوری اسلامی

سرهنگ تاج الدینی عامل کشتار پادگان از مردم سردشت در تظاهرات قبل از قیام که پس از قیام توسط مردم دستگیر و به کمیته تحویل داده شده بود اکنون آزاد شده و به فرماندهی ژاندارمری ارومیه منصوب شده است. تعجبی ندارد اگر رژیم حاکم مزدوران شاه را به چماق سرکوب خود تبدیل کرده و میکوشد مبارزات خلقها را خفه کند، زیرا خدا انقلاب ضد انقلاب است حال مزدوران شاه با شندویا مزدوران جمهوری اسلامی. ایمن طبیبی است که آنان علیه انقلاب متحد یکدیگر باشند



خلق ها و مسئله ملی

اخباری از جنبش مقاومت خلق کرد

تکاب ۵۹/۷/۱۲

گروگانگیری زحمتکشان
روستای مائین بولغ

در حمله قهرمانان نه پیشمرگان دمکرات به روستای "مائین بولغ" رفته بود، ۴۰ نظامی کشته و ۶ نفر از سداران زخمی شدند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، به تلافی این حمله، ۲۰ نفر از اهالی بی دفاع محل را بگروگان گرفته و بعد از انتقال به تکاب، آنها را اعدام کردند. در این درگیری ۲ ربوی ارتشی بدست پیشمرگان منهدم شدند.

تکاب ۵۹/۷/۱۳

غارت روستایان بی دفاع

در این روزها سداران جهل و سرما به بهانه روستای "قزقا پا" حمله کردند. آنها مقداری زیاده از محصولات غلوفه ای روستایان را به آتش کشیدند و ضمن ویران کردن حدود ۲۰ خانه، عده ای از اهالی روستا را بگروگان گرفته و با خود بردند.

علی آباد، افسار ۵۹/۷/۱۸

برگزاری مراسم گرامی داشت
پیشمرگه شهید "طا" الله برازنده

زحمتکشان روستای افشار روروستای منطقه مراسم گرامی داشت رفیق شهید "طا" الله برازنده "پیشمرگه دلیرا زمان پیکار را برگزار کردند. در این مراسم عده ای از پیشمرگان سازمان پیکار با حضور خود در مراسم و سخنرانی درباره رفیق شهید "طا" الله و او را مدح و ثناء و با دیگر پیشمرگان انقلابی خود با خلق زحمتکش کرد را تجدید کردند.

سقز ۵۹/۷/۱۹

فریستهای رژیم در سقز

در این روز، یکی از جاشهای منفور، بقصد دستگیری یکی از جوانان شهر، به آواست داد اما جوان مذکور بدون توجه، میخواست محل را ترک کند. در این حین، جاش منفور شروع به تیراندازی کرد که در نتیجه آن دو نفر از عابریان زخمی شدند. مردم زخمیها را بلافاصله به بیمارستان سقز انتقال دادند.

سندج ۵۹/۷/۲۰

اختناق پاسداران در محله آغازمان

بدنبال کشته شدن ۲ تن از مزدوران منفور رژیم در محله "آغازمان"، جاشها و پاسداران، آب و برق این محله را قطع کرده و از دادن آذوقه به اهالی خودداری نمودند. آنها میگفتند که اهالی محله مذکور، امکانات ورود پیشمرگان را به شهر فراهم میکنند. ارتجاع فکر میکند پس تحت فشار قرار دادن توده های زحمتکش میتواند حمایت آنان را از پیشمرگان رزمنده سلب نماید

مهاباد ۵۹/۷/۲۱

هجوم وحشیانه به شهر

مردم قهرمان مهاباد، یک جاش را در مقابل فرمانداری و دویا سدار را در مقابل بانک ملی بهلاکت رسانیدند. بعد از این واقعه، نظامیان مستقر در اطراف، شهر را با وحشیگری هر چه نامتر به توپ و خمپاره بسته و اعلام کردند که هیچکس حق خروج از شهر ندارد.

سقز ۵۹/۷/۲۱

مزدوران رژیم در کمین پیشمرگان قهرمان

پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت خلق کرد، در مسیر جاده سقز - سندج در روستای "آدینا" عده ای از نیروهای ضد خلق را به کمین انداخته و آنها را بدون هیچ مقاومتی دستگیر نمودند. روز بعد، نیروهای سرکوبگر به تلافی این عمل قهرمانان نه پیشمرگان، به روستای

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

۱۹ اردیبهشت

بیشتر ساعتمان به تماشای پرواز هلیکوپترها میگذرد. امروز بعد از ظهر تعدادی هلیکوپترها افزایش یافته است، ارتش و پاسداران در زمین نمیتوانند جنگ را به پیش ببرند و سنگسازان نیروی هوایی هرچه بیشتر در دستور قرار میگیرند. بیشتر که در خاکش، عاشقانه می جنگد و راه پیشروی اینان را سد میکند. سپس از هوا آبرو، بمب مردم زحمتکش کردستان، آتش میبارند تا بداند زانویشان درآورند.

دیشب بین افراد بحثی در گرفته بود. چند نفر از سربازان عقیده داشتند که کردستان را باید از نوشم زد و تمام آن را با خاک یکسان کرد! سرباز حرف میزد و توده مردم کرد را لای چرخهای تانکشان نمی دید که با خاک شخم می خوردند، لاله میشوند، کشته می شوند و آواره میگردند. آری او اینها را نمی دید. زیرا مغزش را با دروغهایی از افکار ضد انسانی را در آن کاشته اند. بدتر از همه این است که مخالفت کردن با این حرفها نیز مشکل است به محض مخالفت یک مارک "کمونیست" و "منافق" بر روی شخص می چسباند و کارش تمام است. به درجه داری که بخاطر حرفها بیم مرگ "کمونیست" می نامید گفت: "ما باید انقلابمان را ادامه بدهیم و آن را به پیروزی برسانیم. نه آنکه دهانمان را ببندیم و حقایق را نگوئیم." آیا میروید میخ. آهنبینی درستگ؟! (ادامه دارد)



با چشم باز در افق خونین کردستان

از صبح تا ظهر آموزش رزمی و انفرادی می دیدیم بعد از ظهر با یکی از بچه های این پاگان صحبت کردم. از خلال صحبتها پش او فاع سقز را دریا فتم پیش از زور و دما و در واقع در همان زمان که در سنج جنگ درگیر بود. در اینجا هم درگیری شدید بوده است. از ارتشی ها بیش از ۴ نفر در این درگیری کشته شده اند از آن سونیز تلفات زیاد است مردم بیرحمانه کشته شده اند، اجساد در شهر انباشته شده و بوی تعفن شهر را فرا گرفته است. یورش آنچنان بوده که اکنون دیگر خانه های سالم باقی نمانده است. باقی مردم خانه ها و کاشانه اشان را ترک نموده و کوچ کرده اند. بهتر بگویم، آواره شده اند. در شهر حتی یک نفر هم نیست. و اکنون شهر در دست ارتش و پاسداران است! شهر که نه، درو- دیوار شهر!

چه فتوحات سرافرازانه ای میکنند نیرو- های مسلح جمهوری اسلامی! می کشند. غارت می کنند. خلق را آواره میکنند و اسمش را میگذارند: جهاد در راه خدا! چقدر نفرت انگیز است که از اعتقادات و مذهب مردم اینطور سوء استفاده میشود.

خاطرات يك سرباز (۹)

بهار زیبای کردستان

۱۷ اردیبهشت: ساعت ۱۲/۴۵ ظهر

امروز جنب و جوش زیادی در میدان به چشم میخورد. هلیکوپترها از بی هم پرواز در می آیند و در این حال هلیکوپتر تیر خورده است که پشت سر هم بر زمین می نشیند. از صبح تا حالا دو هلیکوپتر از کار افتاده است. غلبه ناخبرمی - آورنده که ۱۸ نفر از سربازان گروهانی که روز قبل به پناه برفته بود، گروهی که گرفته شده اند و خیلی ها کشته و یا زخمی شده اند اما تپه ها شخیرنا پذیرند. یکی از غلبه ها از رفتن به پناه سرپیچی کرد. وضع در هموبر هم است. زمزمه ای وجود دارد که میباید قله را بمباران کرد! بیشتر که حاجانان می جنگند و بمباران تنها راهی است که برای ارتش و پاسداران باقی میماند. استفاده از کشته ترین ابزارها برای سرکوب خلقی که شجاعانه می جنگند. کشتار، کشتار! اما با زهم موفق نیستند. پشت سر هم سرباز زخمی می آورند گوشت دم توپ زیاد است. زحمتکشانی که میتوان به اجباری آوردنشان! اما روزی خواهد رسید که زحمتکش در مقابل اجبارهای ایستند. آنگاه خود ارتشی خواهند شد و نیرومند. ارتشی که پشت سرما به پاداران را به لرزه می اندازد.

ساعت ۲ بعد از ظهر

فرمانده پاسداران، ابوشریف به پاگان سقز آمده است. او لحظاتی قبل برای پاسداران سخنرانی کرد من تنها توانستم که پاسان سخنرانی اش را بشنوم. او می گفت: اگر منطقه را بگیریم. دیگر نه هیئت حسن نیت می شناسیم و نه هیئت مذاکره کردستان را زیر نظر خود می گیریم به ارتش اعتماد نمی کنیم خود با قاطعیت اینجا را خلع سلاح میکنیم! جالب است ارتش و پاسداران با همه رقابت ها و عدم اطمینانهای که به هم دارند در کشتار و سرکوب خلق کرد با هم هماهنگی دارند و وحدتشان برقرار است! اکنون هم فرماندهان ارتش و هم فرماندهان سپاه پاسداران طرفدار شدت عمل در کردستان هستند یعنی ادامه کشتار، یعنی شدت یافتن سرکوب! شنیدن حرفهای فرمانده پاسداران، احساسات نامطبوعی در قلبم ایجاد میکند. از فکر اینکه فردا یا روزی دیگر در راه این هدفهای شوم خواهم مرد، فشار بیشتر و بیشتری در قلبم حس می کنم. نگران و مضطربم. دندان دردمان فاه شده و کلافه ام کرده است.

۱۹ اردیبهشت

فرمانده به فکر افتاده که با آموزش ارتش را تا ماهه ترکند. ماهه برای کشتار مردم! امروز

وازیهاهاها غارمانندتان

بدرآشید!

گوش کنید: اینک خمپاره ای

در تبیبه (۲) منفجر شد

که نیمه دیگرش را در "زوزک" (۳) یافتند

و بمبی بشکل اسباب بازی

کوئکی فلسطینی را کشت

اما کودک کردستانی به آن دست نزد،

زیرا

ده سال است که با آن آشناست.

زیتونهای کردستان از لایلهای دیوار سرنیزه ها

سربوخواهد آورد

و خویش را در طبیقی ساخته از

بال "پرندگان مرگ"

به شما تقدیم خواهد کرد

.....

(۱) - "یاقا" شهری در فلسطین اشغالی است.

(۲) - شهری در جنوب لبنان که همواره در معرض حمله صهیونیستهاست.

(۳) - "زوزک" در کردستان عراق که بارها مورد بمباران قرار گرفته است.

این سطور است از شعر "از یاقا به کردستان" که آن را شاعر شهید عراقی احمد ابونفال معروف به "روشن" در باره کردستان عراق سروده است. او بدست جلادان یعنی پس از شکنجه های سخت در زندان به شهادت رسید. شعرا از دیوان او بنام "با زکشت پیروز مندا نه پرند بلشویک" برگزیده و ترجمه کرده ایم:

از یاقا به کردستان (۱)

ایست!

ای کشتی های سکوت و سازش،

اینک میهنی را یکپارچه بخون میکشند.

و آنگاه که محرای گسترده

بین کردستان و فلسطین

ایندوزا بهم می پیوندند

به مسیحی و آدمیان که بر صلیب اش کشیده اند

بشکنند این جا مه ای سبزا

ای خوابزدگان!

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

اقدام مشبته از آنها بخاطرند و رند بسیار رسیده - ترا زهیت حاکمه های فدخلقی است که قبلا انقلابی بوده و استالیه افتا اندو یا مثلا تبلیغ ارتداد و ریزوینسم حزب توده با تبلیغ ارتداد فدا ثیان (اکثریت) در میان هوا داران نشان که سابقه انقلابی فدا ثیان (اکثریت) (قبل از تبدیل شدن به عامل بورژوازی) در دهستان وجود دارد، تفا و تفا و بیجیگی ها می دارد.

لنین در هنگام مبارزه با "چپ رو" های انترناسیونال دوم، در بحث مربوط به لزوم تبلیغ مواضع کمونیست ها حتی در باره رمان های ارتجاعی از طریق شرکت در آنها می گفت:

"تصور نشود آنچه برای ما کهنه شده است، برای طبقه، برای توده ها هم کهنه شده است." (۲)

لنین تجربیات توده ها را بحساب می آورد و به این خاطر حتی به کمونیست ها توصیه می کرد که در اتحادیه های زرد نیز شرکت کنند. استالین چوبیا میگوید:

"ما باید توده ها را شناسیم، چه بسیار تجربیات توده ها که اکنون کهنه و بی - ارزشند و چه احساساتی که نا پسند و مخالف مصالح انقلابند، اما اگر ما اهمیت عظیم بحساب آوردن این خلق و خوی توده ها را در امر گرانقدر تبلیغ نشاناسیم، مبلغین خوبی نخواهیم بود."

انحرافات ریزوینیستی و آثار ریشیستی در مورد شناخت نقش احساسات توده ها در تبلیغ

- ریزوینیست ها طبیعی است که نمیخواهند خشم و اعتراض توده ها، کارها نه بر ضد سرمایه داران و طبقه آنها میگویند همچون دیگر طبقات استعلا و رگر، بر غر ایزنا پسند توده ها (رکود و تسلیم...) سوا روشنند، آنها در مقابل این غرایز سده میکنند و از طغیان توده ها می - هراسند و میگویند مانع آن شوند، حتی زمانی که خشم توده ها خود بخود طغیان میکند و کمونیست ها موظفند در غین حال که این خشم و طغیان خود بخودی را تحسین و تائید میکنند، آنرا با آگاهیه بیامیزند، این دشمنان سرخسست کمونیسم میکوشند آب سردی بر روی احساسات انقلابی توده ها بریزند. آنها روحیه ترس و ریزوینی و اطاعت از بورژوازی را تبلیغ میکنند، بخاطر داریم که چگونه حزب خاش توده در مورد قیام خونین بهمن ۵۶ تبریز، نفرت خود را از بیپنا خاستن و طغیان خشم توده ها ابراز داشت. حزب توده، لهیب آتش فشان خلق را که نهادهای سرمایه داری و بسته را میسوزاند، بهما واکها و ارازل و اوباشی نسبت میداد که میکوشیدند تظاهرات مسالمت آمیز و قانونی! (قانون) آریا مهری! مردم را بهم بزنند. (۳) و با فدا ثیان در بحبوحه یورش رژیم ترکمن صحر و کشتار خلق بجای تبلیغ مقاومت مسلحانه در میان توده ها

- شی که در دوران انقلابی بر میبردند - تبلیغ وادادگی و انفعال سیاسی پیدا ختنند و توده ها را به عقب کشیدند. در حالیکه کمونیست ها به استقبال روحیات انقلابی توده ها میروند و میکوشند تا آن را با علم انقلاب درهم بیا میزند. کمونیست ها در مقابل غرایز توده ها تعظیم نمی - کنند، آنرا می شناسند تا جرات منفی اش را با تبلیغ درهم کوبند و جرات مثبتش را بیدار و هشیار گردانند.

- آثار ریشیست ها بظا هر احساسات انقلابی توده ها را میستایند و در تب و تاب آن میسوزند، اما نمیدانند چگونه این روحیات انقلابی توده ها پدیدار میشود و علاوه بر آن هنگامی که این روحیات پدیدار شد، در مقابل آن تعظیم میکنند و نمی کوشند تا آن را با سوسیا لیسم علمی - بیامیزند. ریزوینیست ها در مقابل روحیه رکود و تسلیم توده ها تعظیم میکنند و آثار ریشیست ها در مقابل خشم و غضب خود بخودی توده ها! و در هر دو حالت آتش فشان شورا انقلابی توده ها - سوسیا لیسم علمی نمی آید و سرمایه داری را نشان نمی رود. آثار ریشیست ها درک نمی کنند که یک سری دلایل عینی و مادی برای پیدایش احساسات انقلابی توده ها لازم است و تا رسیدن توده ها به این دورانی انقلابی با یستی در میان توده ها صورت ندهد تبلیغ کمونیستی پرداخت و آنرا حول مسائل ملموس نشان تبلیغ کرد. آنها نمی فهمند که بحران انقلابی است که روحیه انقلابی را در پی دارد. آنها تبلیغ توده ها را می خواهند، اما نمی فهمند چگونه باید توده ها را تبلیغ کرد و به اقدامات تبلیجی مصنوعی پناه میبرند. لنین در چه باید کرد بخوبی وجه تائید با کونومیسست ها و ترور نیست ها (که دو وجه از ریزوینیسم و آثار ریشیسم می باشند) را در این زمینه نشان میدهد. یکی در مقابل احساسات خود بخودی تسلیم و رکود لنگ میاندازد و دیگری در مقابل خشم آتشین خودشان و هر دو تبلیغ کمونیستی برای ارتقاء توده ها و بیدار کردن احساساتشان را راها میسازند. آثار ریشیست ها را بطه دیا لکتیکی میان تبلیغ و روحیات توده ها را در هر زمان درک نمی کنند، آثار ریشیست ها نمی فهمند برای آنکه روحیات توده ها را تغییر داد و آنرا بسوی انقلاب رانند با یستی این روحیات را شناخت و در تبلیغ بحساب آورد

آنها ریشیست ها تبلیغ نشان در دوران رکود، اعتلا انقلابی و موقعیت انقلابی همیشه یکسان است. آنان به طوطی می مانند که همیشه یک جور حرف میزند. احساسات توده ها چگونه است؟ مهم نیست توه توده ها در چه سطح است؟ مهم نیست و چنین است که از توده ها منفرد میشوند و تنها مینانند، مسئله مهم در اینجا است که آثار ریشیست ها نه تنها روحیات توده ها را در نظر نمی گیرند بلکه در صد آگاهی بخشیدن به احساسات انقلابی توده ها نیز نیستند. آنها سوسیا لیسم علمی را با روحیات انقلابی توده ها نمی توانند با بقول لنین نمی خواهند در هم آمیزند. آنها

فقط فکر تبلیغ مصنوعی توده ها هستند - ک آنها ریشیست به آن قوزی بیچاره ای میمانند که شنیده است اگر چنانچه را خوشحال کنی، آنها قوز او را بر میدارند و قوزی ما هنگامی که به پدیدار "جن ها" میروند، بی آنکه روحیات آنها را بدانند شروع به رقص و شادمانی میکنند و چنین میشود که ریشیست جنها که تنها فرزندش در آن روز مرده بود از فرط خشم قوز دیگری نیز بر پشت قوزی ما می نهند و "قوز با لا قور" میشود.

فرا موش نکرده ایم که چگونه معتقد به مشی چریکی در دوران رکود، اعتلا و موقعیت انقلابی هم چنان شعار مبارزه مسلحانه را تبلیغ میکردند و حتی الان هم میکنند! (گروه اشرف دهقانی بدون توجه به روحیات توده ها، کماکان شعار هسته های مسلح در همه ایران را میدهد) بی آنکه روحیات توده ها را در هر دوران در نظر بگیرند و بدین ترتیب در این دورانها از توده ها جدا می افتند و راه برای بدست گرفتن رهبری توسط طبقات غیر پرولتری باز میشود آثار ریشیست ها بجای توجه به روحیات، توده ها، روحیات خود را در نظر میگیرند و آنرا میدارند حرکت خود قرا می - دهند. تبلیغ ریزوینیستی و آثار ریشیستی هر دو در جهت جلوگیری از انقلاب پیروز مندر پرتار با میکوشند. یکی توده ها را به زانده بورژوازی بدل میکنند و دیگری انقلابیون را تنها و جدا از توده ها رها میکند.

== باورقی ==

- (۱) - نقل قول لنین از کتاب علم انقلاب ب لنین و روا نشناسی اجتماعی آورده شده است.
- (۲) - لنین، بیامیزی کودکی چپ روی
- (۳) - نوید، ۹ اسفند ۵۶

بقیه از صفحه ۱۹ اطلاعیه...

گسترش را حفظ بنما بدو از این مهمترین جمع بندی گذشته خویش بپردازد و جا بجا خویش را در جنبش مشخص کرده و چشم انداز حرکت خود را تعیین نماید خواست پاسخگوئی به نیازهای جنبش با توان و امکانات گروه همخوانی نداشت. دیگر دوره فعالیت های خرده کارانه به سر رسیده بود، اما گروه بی توجه بدین امر حتی اقدام به انتشار نشریه تبلیغی سیاسی میکند.

انتشار نشریه توسط رفقای گروه - مورد اعتراض قرار میگیرد و بعنوان امری خرده - کارانه و در خدمت تشدید پراکندگی مورد انتقاد قرار میگیرد و به همین جهت انتشار نشریه از شمار متوقف میگردد.

در این زمان انتقاد به عملکرد گذشته و درک عمیق ترا ضروریات جنبش و ابعاد تشکست و پراکندگی جنبش کمونیستی در شکل، افزایش مییابد، مرکزیت برای جمع بندی و تعیین سیاست مشخص آید، نشست کنگره گروه را فرا میخوانند تا در رابطه با ضعف های شکل و چشم انداز حرکت به بررسی و تصمیم گیری بپردازد. کنگره در سه زمینه به بحث میپردازد. (ادامه دارد...)



جنگ ایران و عراق و تشدید رقابت‌های امپریالیستی

جنگ ایران و عراق به امپریالیست‌ها امکان داد تا بیش از گذشته اسلحه‌های خود را بفروشند، رقابت‌های تسلیحاتی فشرده‌تری انجام دهند و نفوذ و حضور خود را در منطقه گسترده‌تر نمایند.

اوضاع حساس منطقه آسیای جنوب و خلیج فارس و جاهای نفت آن نمی‌تواند مورد توجه امپریالیست‌ها قرار نگیرد. اوچکری مبارزات انقلابی در منطقه و بخصوص در ایران و رقابت‌های امپریالیستی هر یک از جهان‌خواهان را و میدارد تا به تحریک نظامی سیاسی وسیع‌تری دست بزنند. در جریان جنگ ایران و عراق بود که امپریالیسم آمریکا چند فرونده هواپیمای آواکس به عربستان سعودی تحویل داد. این هواپیماها که در حقیقت هواپیماهای غول بیکرونیست که می‌توانند تنها تا درازای تمام منطقه را تحت کنترل و جاسوسی خود درآوردند بلکه هواپیماهای جنگی نیز می‌باشند. آواکس که مدرن‌ترین هواپیماهای جنگی غرب است و حدود دویست میلیون دلار قیمت دارد، قادر است با سیستم‌های رادار خود موشک‌های راکت در ارتفاع کم پرواز کرده و غالباً توانایی گریختن از کنترل رادارهای معمولی را دارند و مورد تعقیب قرار دهد. این هواپیما بین هواپیماهای جنگی و اشیا "پرنده" دیگر فرق گذاشته و می‌توانند با موشک‌های خود هواپیماهای حریف را از زمین ببرد. استقرار این هواپیماها در عربستان به امپریالیسم آمریکا اجازه می‌دهد تا در صورت تشدید درگیری‌ها در منطقه و گسترش رقابت امپریالیسم شوروی به مقابله فعال‌تری اقدام نماید.

اما در برابر این اقدامات سوپراسال امپریالیسم نیز به مقابله دست می‌زند. در مقابل تحویل آواکس‌ها، شوروی نیز هواپیماهای تجسی بسیار پیچیده‌ای را در منطقه گسیل می‌دارد. این هواپیماها با سیستم‌های پیچیده راداری و اداری دستگاه‌های خبری مجهز شده و می‌توانند بر ارتباطات میان آواکس و سیستم

های راداری آمریکا و هواپیماهای سموس - اس - ۱۹۷۶ نظارت کنند. این هواپیماها که از نوع نیویولوف ۹۵ می‌باشند در یکاها و نظامی شوروی در منطقه استقرار یافته‌اند، به علاوه شوروی هواپیماهای فوق مدرن میک ۲۷ خود را نیز در منطقه مستقر نموده است.

در کنار این فعالیت‌های امپریالیستی، اقدامات دیگری نیز در جریان است. در حال حاضر سنا و کان‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه، استرالیا که در خلیج فارس و آسیای جنوب هستند مستقر می‌باشند، بطور فعال با یکدیگر در حال مشورت بوده و اطلاعات جاسوسی و تکنیکی مربوط به حرکت ناوهای راکت‌های یکدیگر مبادله می‌کنند.

اما فدرال در شرایط فعلی یک نیروی زمینی ناوگان هفتم امپریالیسم آمریکا و یک نیروی صربنی انگلستان در حال انجام عملیات مشترک در سواحی مرکزی و شمال غربی آسیای جنوب هستند. در این مانور ۲۵ کشتی جنگی ۱۷۰۰ هواپیما و ۱۸ هزار پرسنل نیروی دریایی شرکت دارند. شوروی نیز اخیراً نیروی دریایی خود را تقویت کرده است. ناوگان جنگی شوروی در آسیای جنوب همدر مرکب از ۲۶ تا ۲۸ ناو است که ۱۶ تا ۱۴ فروند آن کشتی جنگی می‌باشد و باقی آن جنبه پشتیبانی دارند. از جمله کشتی‌های پشتیبانی ۵ زیردریایی است که سوخت ۳ فروند آن هسته‌ای هستند.

در واقع امپریالیست‌ها اگر از یکدیگر می‌کشند تا در رقابت‌های متقابل خود موقعیت امپریالیستی آنان را در منطقه و خلیج تحکیم نمایند از سوی دیگر پیش از پیش خود را برای مقابله با جنبش‌های منطقه آماده می‌نمایند. اما...

لهستان: مبارزات کارگران و وظایف کمونیست‌ها

درماهای اخیر اعتصابات و مبارزات کارگری لهستان را الرزاند و حکومت بورژوا - رویزیو - نیست این کشور را دستخوش بحران نمود. فشار این مبارزات حق طلبانه منجر به برکناری ۱۴ عضو کمیته مرکزی حزب، برکناری "ادوارد بابیو" نخست وزیر و سقوط "ادوارد گبرک" دبیرکلیس رویزیونیست حزب گردید. کارگران با آنکه به مبارزات خود را نرسند رژیم ارتجاعی حاکم را به عقب نشینی وادار ساخته و امتیازاتی بجنبش آورند. از جمله این امتیازات حق انتخابات جدید در اتحادیه‌های تمام کارخانجات با رای مخفی و تعداد کاندیدای نامحدود، حق اعتصاب حق تشکیل اتحادیه کارگری مستقل برسمیت شناختن "کمیته مشترک اعتصاب" از طرف دولت و... بود. بدینال این عقب نشینی واپس امتیازات، کارگران به اعتصاب خود پایان

دادند. اما بورژوازی حاکم در پی اجرای این امتیازات نبود و به همین خاطر تمام کارگران لهستان بعنوان اعتراض به خودسری دولت بطور سمبولیک دست به یک اعتصاب یک ساعته زدند. در برابر این فشار، رویزیونیست‌های عوام‌گرای به رهبری استانیسلاو کابا دبیرکل جدید حزب دویاره قول می‌دهند که دولت به وعده‌های خود وفا خواهد کرد.

اما آیا بورژوازی به خواست طبقه کارگر براحتی کردن می‌دهد؟ هرگز! بورژوازی هر قدر را که زیر فشار جنبش نبوده‌ای به عقب برده‌ارد، به تنها جمعی که علم پرولتاریا را تبدیل خواهد کرد فقط با سرنگونی بورژوازی است که پرولتاریا به خواست‌های طبقه‌ای خود نائل می‌آید. اما منافقان طبقه کارگر لهستان از یک رهبری کمونیستی و قدرتمند دور است. مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان در دوره اخیر از یک سو بیان حقانیت پرولتاریا را و این کشور علیه بورژوازی حاکم می‌باشد، از سوی دیگر نشانگر آن است که این مبارزات فاقد یک رهبری کمونیستی و پیروزمندی می‌باشد و بر واضح است که این ضعف اساسی امکان می‌دهد تا جریانات بورژوازی بر جنبش کارگری سوار شوند و آن را به انحراف بکشانند در این ارتباط واقع اخیر در لهستان درس آموز است: در واقع از جمله جریاناتی که در جنبش کارگری لهستان نفوذ دارند "کمیته برای دفاع فردی و اجتماعی" (کر KOR) می‌باشد. که در سال ۱۹۷۰ بعد از سرکوب و کشتار کارگران توسط رویزیونیست‌ها به رهبری "گومولکا" "وجود آمد. این کمیته دارای ترکیب ناهمگون بوده و در درون آن روشنفکران بورژوا - لیبرال نیز وجود دارند. در واقع از ابتدای اعتصابات این کمیته کوشش کرد تا مبارزات کارگران به یک مبارزه انقلابی علیه حکومت تبدیل نشود و از شکل مسالمت آمیز خود فراتر نرود و علاوه خواست‌های این مبارزات به درخواست‌های منصفی سیاسی معین محدود باقی بماند. به علاوه با توجه به نفوذ افکار مذهبی در میان کارگران که بیان یکی دیگر از جنبش‌های رویزیونیست‌ها بشمار میرود، کلیسای کاتولیک کوشش کرد تا از این زمینه ذهنی سود جست و کارگران را به آشتی و صلح با بورژوازی حاکم بکشاند و روشن است که کوشش‌های جریانات بورژوا - لیبرالی فوق و روحانیون مرتجع در میان کارگران بی اثر نبود: این جریانات کوشیدند تا با کسب امتیازاتی چند، مانع از پیشروی با هم بیشتر جنبش گردند و در میان کارگران افکاری ارتجاعی مانند آزادی فعالیت کلیسای و "دمکراسی" را رواج دهند.

طبقه کارگر لهستان در مبارزه علیه بورژوا - رویزیونیست‌ها و حاکم‌دینال دمکراسی - گندیده بورژوازی نمی‌باشد. او از سمت طبقه‌ای بورژوازی حاکم به ستوه آمده و به مبارزه برخاسته است. خواست حقیقی پرولتاریا استقرار و پیروزی لیسم و دمکراسی پرولتری از طریق یک انقلاب اجتماعی طبقه در صفحه ۲۹

جان کارگران در شیفیت شب کاری در خطر است!

کارگزاران مبارز!

چونکی که آغاز شده است، جنگ سرما به داران
روزیهای ارتجاعی حاکم بر ایران و عراق می-
باشد که زمینکنان هیچگونه منافعی در آن ندارند!
سرما به داران و رژیم، کارگران را بنام
"دفاع از میهن" به کار بیشتر تشویق میکنند و
حاصل کار آنها را به امارت میبرند. سرما به داران
را الوصف و رژیم حامی آنها بیشتر مانند درحالی
که شبها خطر حمله هوایی وجود دارد و در بعضی از
کارخانه ها کارگران را در کارخانه تنگ میذارند
تا به تولید ادامه دهند، و بالطبع مقصود از
ناموسی اجرا نمیکرد. جان کارگران در رفعت
شکاری در خط است. اما رژیم سرما به داران به
آن توجهی ندارند و بیشتر با عریض و طعن هوسا هستند
شیفت شب کارها که خطر حمله هوایی وجود دارد
باید بپرداخت کامل حقوق تعطیل گردد!

براکت شماره ۹۳

کارگران مبارز شرکت فلور
اصفهان همچنان می‌روزمند

“ترک فلور که بیما بکار شرکت نفت بود ،
بعد از مرگ او را فرمایان در جریان قیام ،
سرو به اخراج کارکنان می کند . اما به علت
بالا بودن روحیه مبارزاتی کارکنان موقع
نهایی کار نمی شوند آنها خواستار آنند که به
استخدام دائمی شرکت نفت درآیند و در پیرویه -
هایی که شرکت نفت در نقاط مختلف دارد کار
کند . اما ما می سازیم کارکنان و دولت
به آنجا کشید که دولت در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ رسماً
اعلام کرد که کارکنان “فلور حق ورود به
بالایسکاها را دارند و تنها ۴۰۰ نفر از ۱۲۰۰ نفر
کارکنان این شرکت میبایست در قسمت نخست
بالایسکاها کار کنند . اعلام این موضوع سبب خشم
شدید کارکنان فلور گردید . کارکنان بدرستی
میگویند که : “ارکا رفرمای شرکت نفت گرفته ما
استاداری ، فرمانداری ، اداره کار و ... همگی
دست بکنی کرده اند ما را از اخراج ما سد و اگر
در سبب طولانی سکال با تمام دور و کلک پانی
که رفته است ما را از شرکت کند ، حالا با استفاده
از دست ابران و غرای میخواندند ما را و اداریه
سبب میگویند ابران و غران چنانی ضد غرای
در اگر دولت میخواندند
... .. در سبب غرای را در ادما ابران
... .. حای
... .. و حکومت است سبب در

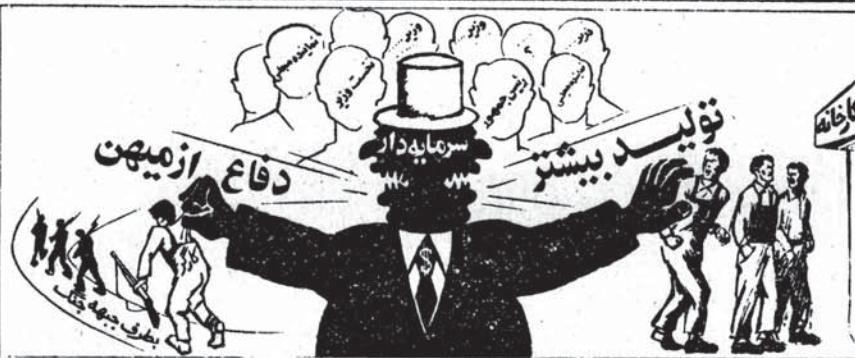
نکاتی درباره مبارزات کارگران پوشش

سیاست‌رما به داران و عواملشان همیشه این بوده و هست که برای به ثمرت گشاندن مبارزات کارگران وادامه چپا و لگری و بهره‌کشی خود، در صفوف کارگران تفرقه پیاپی اندازند و از متشکل شدن آنها جلوگیری بعمل آورند. لذا توطئه‌های رنگارنگی بکار می‌برند و با استفاده از آگای‌های بعضی از کارگران، جلوی حرکت متحدان ستوار آنها را میگیرند. بنا براین، با کارگران باید مبارزات خود را آگاهانه و با هوشیاری تمام به پیش ببریم تا مبارزات را در دامن توطئه‌های سرما به داران بیفتیم. در کارخانه پوشش چندا شنباه از جانب کارگران موجب ضربه زدن به مبارزه - شان شد؛ اول اینکه ما نیکه‌کارگران کارخانجات دیگر (از جمله کف کاروا بر پرسلان) به کمک سایر کارگران احتیاج داشتند، عکس العمل جدی از سوی کارگران در کارخانه پوشش بعمل نیامد؛ بنابراین ما نیکه نمایندگان کارگران را اخراج

کردند، عده‌ای از کارگران خوش خیال، فریب حسینی را خورده و به امید آنکه او نما پندگار نشان را برگرداند دست روی دست گذاشتند. مافصل از آنکه او خود، آن‌ها را اخراج کرده و عصری فساد تار و راست، ثالثاً زمانیکه کارگران بطرف شهر را هیما می کردند، عده‌ای از آن‌ها مانع ادامه حرکت شده و مسئله حمله بازاریان را طرح کردند. در صورتیکه کارگرانیکه از پاسداران ژ-۳ بدست هیچ ترسی ندارند، چگونه از مشت‌های مفت خور بازاری بترسند؟! آن گذشته برای برقراری اتحاد گسترده و جلب حمایت سایر کارگران و مردم شهر می بایست حرکت ادامه می یافت.

با شده که از حرکت‌های اشتباهان درس بگیریم و با حفظ هوشیاری و همبستگی خود، با آنکه به اتحاد دسراسری طبقه کارگران میزبان به قمعان را پیش ببریم.

با کمی تفسیر سبقل از "بیک پوشش" شماره ۱۱



مومنی که هواپیماهای عراقی بهش گشتوش
یا لایشگاه، شاهین شهر را سواران میکنند وند
هواشی های ارش که با لایشگاه را محاصره کرده-
اند حتی یک تیرهم خالی میکنندولی سربازان
مسلح اینچنین مراض کوچکوس حرکت مسا
کارگران اخراجی که در کنار جاده یا لایشگاه
محس کرده ام، همدسه، بیهوده دولت ما را
ار سربازان و با داراش تیرنا ندما از ایسن
حیرا حیلی دنده ام، مکارا ساهی با لاترهم
ریکی هس؛ ما نمی برسیم وخواهیم که همین
جای تکلیفمان را روشن کنیم".

هما منظور که شما دانشجویی به ما هیت ضدگرازی
روسم حاکمی برده اید و خوشی آکا هید که رژیم
از مبارزه کارگران و رحمکشان بیشتر میترسد
ما در رسم اینجا عی غرای و اکرام روز را بطله رژیم
ایران و غرای و کرات بده فدا میباشید یا هم
کبارا ستدحون هر دو رژیم ضد مردم اند و هر دو از
یک شما ستد و هر دو رسمی واقعی خود را اکا رگران

وزمینکنان میدانندولی با کارگران و زحمت کشان هیچ وقت نمی توانستند کنار یکدیگر بنشینند و با یکدیگر کارگران و زمینکنان را استثمار و سرکوب کنند تا به حکومت پوتالی خود ادا می دهند. به همین جهت هم هست که رژیم ایران به تیز حمله را متوجه کارگران و زمینکنان می نماید و در کنار آن به بیماران و ضعیفان زمینکنان مهادت ... ادا می میدهد.

آری! دوستان کارگزار ما باید از اعمال
رژیم ضدکارگری درس بگیریم و هماهنگ طور که رژیم
دست به آنها جو سرکوب یکبار رهبر علیه رژیمتکشان
و... میزند ما هم باید بطوریکه رهجو متحد
موقوف خود را استوار و مستحکم بنا کنیم و در بین
خودمان هماهنگی بیشتری برقرار کنیم تا رژیم
و کارفرما نتوانند از این ناها همگی بفرج
خود استفاده نمایند.

کوشش یا یکبارگی تمام موطئه اخراج
کا رکران مبارز را حتی کسیم!
با کمی سبیر بنقل از اعلامیه از مسلمان
بیکار در دروازه زادی طبقه کارگر - حوزه صفهان

59/Y/26

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست پاسخی به لاطائلات روزنامه اطلاعات

نمایندگی از حزب جمهوری اسلامی وکل رژیم، طبعاً
نطق خود در آمریکا، فقط منتظر آن است که
آمریکا توبه "ش" را روی کاغذ بیاورد و گردن عمل
"توبه" کرده است و میگوید که آمریکا با این "توبه"
"تکا مل معنوی" میباید، و با این حرف درک
سیار رنازل و عامیانه از (و در واقع سازش طبقه
خود) آمریکا لیسم آمریکا را نمایش میگذارد،
از کسانیکه با کوشش و توطئه در راه صدور
"انقلاب" خود نشان دادند که به تخریب انقلاب
خلقهای ایران بسنده نمیکنند، بلکه در تخریب
انقلاب دمکراتیک دیگر خلقهای منطقه هم مصمم
هستند.

از کسانیکه

آری ما از چنین کمیتی که نماینده
زحمتکشان، بلکه نماینده منافع طبقات و اقشار
عقب مانده است انتظار داریم. جز این نداریم. آنها
دشمن طبقه خود را خوب تشخیص میدهند و غریزه
طبقه تیشان چنین حکمی را اما در یک کنگره در
سرمقاله ای دیگر نوشته اند: "اینها را باید از دم
تبع گذارند..."

آری هرگاه رگرو زحمتکشان ایرانی و عراقی
که به عواقب مصیبت با این جنگ بین دور زیم
ارتجاعی نگاه کنند چاره ای جز محکوم کردن آتش
افروزان ندارد.

شما چرا از ویرانیها و کشتارهایی که بر علیه
زحمتکشان عراق بوجود آورده اید سخن نمیگوید
مگر خلیانان شما نبودند که وقیحا نه در تلویزیون
میگفتند:

"هدف را چنان نشان ندهیم که "عمله ها" ی
عراقی که ما را ف میگردند فرصت در اداختن
بیل و کلنگشان را نکنند. چرا از آنها سخن
نمی گوئید؟ و مگر همین خلیانان "عفو خورده"
شما نبودند که پس از بمباران شهرهای عراق
مصابیه میگردند و خود را "کربلائی" مینامیدند؟

رژیم خد خلقی و خونخوار عراق را ما پیوسته
افشا کرده ایم و مبارزه انقلابی کارگران و
زحمتکشان و نیروهای انقلابی عراق بر علیه
رژیم عراق را با تمام وجود تا شیدمی شما شیم.
مبارزه ما با ارتجاع منطقه منجمله رژیم صدام -
حسین نه مانند شما از طریق حزب آمریکا شیی
الدعوه و بیچاره اسلامی، نه از طریق حمایت از فرزند
آیت الله حکیم که خود پدرش مورد حمایت رژیم
شاه و رژیمهای ارتجاعی عراق قرار داشتند، نه
بقیه در صفحه ۲۱

"غسل تعمید" داده اند تا ترا "حر" نامیدند،
از کسانیکه سازش با امپریالیسم
آمریکا، مانع اتحاد موبه شورسیدن انقلاب
دمکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای ایران
شدند.

از کسانیکه نیروهای انقلابی درون ارتش
و هماران قیام کنند ۲۲ بهمن را به "سزای
جسارتشان" رسانند و چون روح رژیم وری در
آنها سرخ کرده بودند، آنها را منفرد، تبعید
یا پاکسازی کردند.

از کسانیکه پس از بر سر کار آمدن کمر همت
به نابودی نیروهای انقلابی و کمونیستی بسته
و با همین اقدام خود ما هیت ضد انقلابی خود را
آشکارا نمودند.

از کسانیکه ما میاید آمریکا در سرکوب
چپ هستند و با وجود این خود را "فدا میریالیست"
مینامند.

از کسانیکه در باره سازش نظام سرمایه داری
و وابسته حمایت از منافع زمینداران بزرگ هر
چهار دستشان برآمده اند و مداده اند.

از کسانیکه تمام حیل و ترفندهای خود را
برای بازگرداندن ایران به عصر مشروطه و شیخ
فضل الله بکار بردند و قانون اساسی ضد انقلابی
خود را در مجلس قلابی و در سایه توهمات توده -
های نا آگاه به تصویب رساندند و "ولایت فقیه"
را چون کلاه گشاد بر سر مردم ایران گذارند،
از کسانیکه با اصطلاح من در آوردی "ملت
مسلمان ایران" هموطنان را فراموشند مسیحی و
غیره را حتی ایرانی نمیدانند و از این هم
بالتر با اصطلاح "جملی" "ملت مسلمان فلسطین"
مسیحیان آن سرزمین را فلسطینی میدانند و با
این اقدام خود در حالیکه هیچ کاری برای
فلسطینی ها نکرده اند به وحدت ملی آنها ن فریه
میزنند.

از کسانیکه سر کرده ها شان مثل آیت الله
دستغیب (شیراز) و خا منه ای (تهران) و دیگران
مردمی پنا د خوزستان را که از توب و مسلسل و
بمبارانهای ناشی از این جنگ ارتجاعی فرار
کرده اند خا شن مینامند، و میگویند به آنها خانه
ندهید و به آنها چیزی نفروشد.

از کسانیکه با اقدامات ضد انقلابی خود
زمینه ساز کودتا و قتلایتهای ارتجاعی اویسیها
و بختیارها شدند.

از کسانیکه نخست وزیر مکتبی شان، به

سرمقاله روزنامه اطلاعات مورخه ۲۷ مهر
به فحاشی، کینه توزی، دروغبافی و تهدید علیه
سازمان ما اختصاص یافته است. مورد حملیه
دشمن - ارتجاع - قرار گرفتن فی نفسه چیز
بدی نیست. و نشان دهنده آن است که موضع -
گیری ما درست روی نقطه حساس در دست گذاشته
و ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم را از پسرده
بیرون کشیده است.

بدنبال درگیری جنگ ارتجاعی بین دو
رژیم ارتجاعی ایران و عراق ما موضعی اتخاذ
کردیم که متکی بر درک ما هیت جنگ، ما هیت
طرفین جنگ و قضاوت در باره آغاز و پایان
جنگ از دیدگاه منافع طبقه کارگر و زحمتکشان
میباشد. این یک نقطه عزیمت کمونیستی است
که ما کوشیده ایم در موضع گیری ما در قبال این
جنگ ارتجاعی از آن حرکت کنیم.

روزنامه اطلاعات که یکی از بوقهای تبلیغاتی
در دست ارتجاع حاکم است با منطق فحاشی و
دور و خط و نشان کشیدن با موضع گیری ما بر -
خورد کرده است. آیا منطقی استدلال ترو قانع -
کننده ترا ز دشمنهای زیر جهت مقابل تبلیغاتی
با نیروهای انقلابی در دست ارتجاع هست؟ توجه
کنید:

"گروهک وحشی که شاه" کاری دیگر ببار
آورده.

"در خیانت و بی شرمی سنگ تمام گذارده،
"فاحشه های سیاسی مزدوری که آمریکا آنها
را به مزایا پدید گذاشته است،
"ما جرایمی که بنوعی ما را کسبیم -
لنینیسم است! و گانگستری! ایما ن آورده اند،
"پادوهای آمریکا،
"خا شنان شما ره یک و... و..."

این ناسزا ها که نشان دهنده کینه طبقه
مرجعین بقدرت رسیده علیه کمونیست است ما
را بهیچوجه نگران نمیکند، ما از کسانیکه زمینه
این جنگ را فراهم آورده اند و در اینجا دجهنمی
سوزان که توده های زحمتکشان ایران و عراق و
سرمایه های ملی دو کشور را به آتش میکشد هم
هستند، انتظار داریم جز این نداریم.

ما از کسانیکه به کشتار ما دهکده قارنا و
کاشانی ما میدویدند و لاتان آفرین گفتند،
از کسانیکه کشتار کارگران در وند و اندیشک
را تا شید کردند.

از کسانیکه اعلام دروغین روز قدس و حمایت
از فلسطین را بهانه ای برای لشکر کشی به
کردستان قهرمان نمودند.

از کسانیکه فرما ندهان ارتش آمریکا شیی
شاه را در پستهایشان ابقاء کردند تا ارتش
سرکوبگر خلقهای ایران وظاف را برای سرکوب
در کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا همچنان
حفظ کنند.

از کسانیکه همین فرماندهان را یک شب

رژیمهایی که خلقهای کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

نگاهی به : جنبش کمونیستی در عراق و خیانت روبرو نیستها (۱)

"مالح جبر" را که آن قرار داد سنگین را امضا کرده بود پیروز مندا نه سرنگون ساخت و آن قرار - داد را لغو کرد. سطرهای از گزارش یک مورخ را در این باره در زیر میآوریم:

"نه آتش گشودن پلیس بسوی اجتماعات سودی بخشید و نه با زداشت انگیزندگان توفان (بیشترشان کمونیستها) زوز ۲۷ ژانویه (بیشترشان) خیابانی به آوج رسید. در آنروز ۷۰ نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند..."

پس از سقوط دولت، با زهم بحران ادامه یافت تا ریخ نگار ادا می دهد:

"در تشیع جنازه ها دانشجویانی که در آن روزها کشته شده بودند بیش از یکمدهزار نفر شرکت جستند و سخنرانان احزاب، خواستار لغو همیشگی پیمان همکاری با انگلیس شدند. در روزهای بعدی همانند آرا می در اوضاع پدید می آمد. خیابانهای بغداد اما لامال از جمعیت بود و مردم عملاً کنترل پایتخت را بدست گرفته بودند. هرچند و پلاکاردهائی که بر آن شعارهای میهنی نوشته شده بود همه جا موج میزد. تقسیم اراضی میان همه مردم و نابودی بیگانگان" (۲) (از کتاب "در خاور میانه چه گذشت؟")

پیروزی کمونیستها در رهبری تظاهرات کافرگری و توده ای و شرکت تعیین کننده آنان در قیامهای خلق، تظاهرات قابل ملاحظه ای در رشد جنبش انقلابی و کمونیستی در دیگر کشورهای عرب نیز برجای گذارد. (۳)

یکی از چهره های با زرجنبش کمونیستی عراق، رفیق شهید فهد میبا شد که در همان سال ۱۹۴۸ دستگیر و همراه با دوتن دیگر از همزمانش اعدام گردید. او از بنیانگذاران و نظریه پردازان حزب یزدوموضع گیری انقلابی او در قبال مساله ملی اعراب علیه صهیونیسم و مساله فلسطین، حزب کمونیست عراق را در بین احزاب دیگری در جهان عرب، که خود را کمونیست مینامد متمایز میسازد.

★ ★ ★

ادامه بحث را در شماره آینده میخوانید.

پاورقیها

(۱) - در مورد میزان رشد سرمایه داری در عراق که برای مقاله حاضر نیاز به اهمیت هم داشته است، متأسفانه منابع قابل توجهی در دست نداریم.

بقیه در صفحه ۲۰

نشانند. تحت الحمایگی عراق که تا سال ۱۹۵۸ طول کشید با رها بوسیله پیمانهای دوجانبه بین انگلیس و دولت دست نشانده اش در عراق و به دستبازی مزدورانی چون "نوری سعید" تحکیم شد، مثل پیمان ۱۹۲۲ و پیمان ۱۹۳۰ و پیمان پورتسموت ۱۹۴۸.

کمونیستها پیشاپیش دیگر نیروهای مبارز در بهینه مبارزه ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه و نیز در راه از بین بردن عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی جزکت میکردند. علیرغم آنکه حزب چند ماه پس از تاسیس در معرض ضربه قرار گرفت، توانست در قیام بهر شرکت فعال نماید. حزب تظاهراتی نیز در ژوئیه ۱۹۳۷ در حمایت از خلق فلسطین بر پا کرد. تظاهراتی که در شرایط سرکوب و خفقان شدید دوران "نوری سعید" و در مقابل بله با توطئه های شوم امپریالیستیهای انگلیسی در فلسطین تا شیرقا بل توجهی در جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای عرب برجای میگذاشت. در همان سال است که کمونیستها طی برنامه ای از ضرورت اتحاد خلقهای عرب و کرد سخن میگویند و شعار: "بر سر خرد اتحاد خلقهای عرب و کسود، استعمار زده را خواهد شکست" را مطرح مینمایند.

حزب قبل از آنکه اقدامات اولین کنگره سراسری خود بسال ۱۹۴۵ یک مرحله از مبارزه بدولت و یک راهپشت سرگذا رده و در جریان کنگره توانست با تصویب اساسنامه و مرا مناه حزب بین منافع طبقه کارگر از یکطرف و مبارزه ملی از سوی دیگر پیوند محکم برقرار کرده، تلاش خود را برای ارتقا آگاهی سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر متمرکز نماید. حزب توانست در تحکیم صفوف طبقه کارگر بکوشد و اساساً با کارگران نفت در سال ۱۹۴۶ که دو هفته طول کشید و ۱۶ کشته و تعداد زیادی مجروح برجای گذاشت، نشان دهنده قدرت حزب در سازماندهی طبقه کارگر عراق میباشد. همبستگی توده ها با کارگران و فریادهای "مرگ بر خفقان و اعراب" تا شهر عمیقی بر سر جنبش کمونیستی عراق برجای گذارد. توده ها در نتیجه این تحریر مبارزاتی کارگران، اهمیت مبارزات سازمان با فتنه را بهتر درک کردند. رژیم در مقابل، سرکوب مبارزین را تشدید کرد و عده ای از کمونیستها را دستگیر نمود. این اقدامات و امضای قرار داد پورتسموت با انگلیس بسال ۱۹۴۸ قیام توده ای ژانویه همان سال را بدنبال داشت. کمونیستهای عراق نقش بارزی در این قیام ملی به عهده داشتند. قیامی که سرانجام حکومت دست نشانده

دربی مقالات کوتاهی که در شماره های گذشته آمدوبه ترتیب "اوضاع اقتصادی"، "جنايات و اقدامات ضد خلقی رژیم حاکم بر عراق"، "ظهور و سقوط حزب بعث" را به اختصار مورد بحث قرار میداد، در این شماره به جنبش کمونیستی عراق و در ادامه آن به نقش خیانت آمیز روبرو نیستها میپردازیم و خواهم دید که کم و بیش "بهر کجا که روی آسمان همین رنگ است!"

۳۱ مارس ۱۹۳۴، یعنی ۴۶ سال پیش، حزب کمونیست عراق پا به گذاری شد. او جگریری جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای عراق که از سال ۱۹۲۰ علیه انگلیس ها و عمال داخلی - شان ابعاد تازه ای یافته بود و نیز نقش پیگیرانه و مجدانه طبقه کارگر و کمونیستها در جنبش انقلابی و دموکراتیک، زمینه ساز زداختن بنیان نگذاری حزب بود. همچنین پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثریت و استقرار نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی چشم اندازهای نوینی را از تئوری و پراتیک انقلابی و کمونیستی فرا روی طبقه کارگر و پیش تازان آن در سراسر جهان منجمله در عراق - میگذاشت.

امپریالیسم انگلستان که پس از جنگ جهانی اول، میراث خواران امپراتوری عثمانی شد، در سال ۱۹۲۰ به این کشور وارد گردید و عراق از جنگ عثمانیها خارج نشده به صورت یکی از ایالات هند بریتانیا (تحت اداره نایب السلطنه انگلیس در هند) درآمد. "فئودالها و بورژوازی وابسته (کمپرادور) عراق بزودی سلطه بریتانیا را پذیرفتند و با آن همکاری فعال نمودند... انگلیس با به منظور تحکیم مواضع سیاسی خود، کمپرادورها (۱)، اشراف فئودال و قبایل و نیز (بخشی از روحانیت بویژه شیعیان) را در اداره کشور شرکت دادند و آنها را با دادن مقرری، مداخل و کمک مالی اغوا نمودند." (تاریخ عرب در قرون جدید، ص ۳۸۱ برانتزاول از ماست)

بلافاصله بدنبال ورود انگلیسی ها به عراق (۳۰ ژوئن ۱۹۲۰) به مدت ۶ ماه شورش سراسری ادامه یافت. در این مدت جنگ داخلی سراسر عراق را فرا گرفته بود. انگلیسی ها با اعراب و کشتارهای دستجمعی، بازداشتها و تبعیدها و شکنجه ها سعی در خفه کردن جنبش خلق داشتند. این واقعه ای بسیار مهم و افتخار آمیز در تاریخ خلقهای عراق است. سیاست حیل گرانده استعماری انگلیس بابرکنار کردن فرماندهان نیروهای انگلیسی در عراق و بیکار کردن "روبا هی" بنام "سرپرستی کاکس" مقدمات ایجاد دیکتاتور حکومتی تحت الحمایه را در این سرزمین فراهم آورد و بدین ترتیب فصل اول را که از خاندان سرسپرده "شریف مکه" بود بر تخت پادشاهی عراق

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

در چین رویزونیستی چه میگذرد؟ (۲)

کردن مبارزه طبقه کارگر است. رویزونیست‌ها شعار "چهارم رنیزاسیون" د رمی سرنگونی پرچم سرخ بودند و اینک آنان پرچم سرخ را سرنگون کرده اند.

بر پایه این مشی رویزونیستی باند تنگ - هوا بر نامه اقتصادی سرمایه دارانه خود را ارائه نموده و پیگیرانه آنرا بکار بسته اند. ۳۰ جلسه مجلس ملی - چین که در ع سپتامبر سال پایان یافت گام مهمی در تعمیق خط مشی اقتصادی بورژوازیونیست‌های چینی برداشت. نکات اساسی این برنامه که آمدند؟ رویزونیست‌های چینی مانند باند خروشچف به رفهمای اقتصادی روی آوردند. آنان بر اساس این رفهمانقش برنامه ریزی مرکزی را نفی کرده و به بنگاه‌های تولیدی استقلال بد همد. در تصمیم‌گیری‌های این جلسه به صراحت مطرح میشود: کارخانه‌ها از این پس می نوانند برای خرید مواد اولیه و هدایت تولید خود بدون رعایت معیارهای برنامه - ریزی سالانه عمل کنند. بعلاوه این کارخانه - ها تمام سود هاد خود را به دولت پرداخت نخواهند کرد و زیر آنها بخشی از سود را در دست خود نگاه خواهند داشت و بالاخره روسای صنایع اجازه دارند به رقابت پرداخته و کارگران را توسط پاداش بر پایه تولید به رقابت وادارند. رویزونیست‌های سه جهانی در چین سو در احاکم بر تولید نموده مدبران روسا بوروکرات‌ها و متخصصین بورژوا را احاکم بر کارگران کرده اند و سیستم استثمار مزدوری را برقرار نموده اند. خائنین سه جهانی بانابودی د یکتاتوری پرولتاریاسیستم بانکی چین را در ارتباط مستقیم با روسای بنگاه‌های تولیدی قرار داده و مسئولین رویزونیست و بوروکرات کارخانجات را تشویق کرده تا در عملیات مختلف با بانک مانند سرمایه گذاری و وام با بهره به معامله بپردازند. بر این اساس بورژواهای نوین د یگر لزومی نمی بینند از دولت کمک بگیرند بعلاوه مشارکت مالی دولت در بودجه کارخانجات د یگر مجانی نخواهد بود. زیر این بنگاه‌های باید به دولت بهره بد همد. در ضمن د ر زمینه کشاورزی، کمون‌ها توده ای مورد نفی و انتقاد قرار گرفته و آزادی برای کشت خصوصی زمین دهقانان مورد تأیید جلسه واقع شده است.

از د یگر تصمیمات حزب رویزونیست چین در این جلسه عبارتند از: اعطای خود مختاری بقیه در صفحه ۱۴

سیاسی آن یعنی رویزونیست‌ها راست کند و باید ست فراموشی بسپارد، شرایط سرگ د یکتاتوری پرولتاریا فراهم میسازد. در حقیقت وجود د یکتاتوری پرولتاریا تجسم بارز ادامه مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی است، حال مسئله اینست که پرولتاریا این مبارزه را در تمام طول جامعه سوسیالیستی ادامه دهد. محدود کردن مبارزه پرولتاریا به چهارم رنیزاسیون و تولید بیشتر جز خیانت بهمان نسبت به پرولتاریا و مارکسیسم لنینیسم چیز دیگری نمی باشد.

اما رویزونیست‌های سه جهانی چه میگویند؟ آنها می نویسند: "د یگر مبارزه طبقاتی تضاد اصلی در این مرحله نیست... امروز طبقات متخاصم د یگر موجودیت ندارند. د یگر تحت د یکتاتوری قدرتمند پرولتاریا دشمن طبقاتی قادر نیست به طبقه ارتجاعی توسعه یافته ای بدل شده و عثابه مقابله با پرولتاریا برخیزد". رویزونیست‌ها ادامه میدهند کسانی که معتقدند:

"مارکسیسم لنینیسم یعنی حادثه نگاه داشتن مبارزه طبقاتی و انقلاب یعنی سرکوب مدام مالکین، دهقانان مرفه و سرمایه داران، روی این اصل قادر به پذیرش تحلیل کمیته مرکزی حزب منی بر عدم وجود مالکین، دهقانان مرفه و سرمایه داران نیستند... هدف د یکتاتوری پرولتاریا، سرمایه داران وابسته و بوروکرات است." (تغییر اساسی در موقعیت طبقاتی در چین و خبرنامه یکن، شماره ۴۶ و ۴۷ نوامبر ۱۹۷۹).

رویزونیست‌های خائن سه جهانی بطور آشکار مبارزه طبقاتی پرولتاریا را بمشابه محور فعالیت حزب نفی کرده و خائنان همدغه د یکتاتوری پرولتاریا را سرنگونی سرمایه داران وابسته و تحقق "چهارم رنیزاسیون" میدانند. حال آنکه ما میدانیم هدف انقلاب د موکراتیک سرنگونی سرمایه داران وابسته است و هدف د یکتاتوری پرولتاریا عبارت از مبارزه علیه بورژوازی در طول جامعه سوسیالیستی و استقرار جامعه کمونیستی است. در حقیقت بورژوا - رویزونیست‌ها چنین تحلیلی میکوشند تا پرولتاریا را به خواب فرو برند و با سرعت هر چه تا متر سرمایه - داری را بطور همه جانبه اعاده نمایند. هدف رویزونیست‌ها از نفی مبارزه طبقاتی بمشابه محور فعالیت حزب پرولتاریا بی مطرح ساختن "چهارم رنیزاسیون" بمشابه محور فعالیت حزب و دفن

در شماره قبل تغییر و تحولات درون حزبی را بطور مختصر توضیح داده و از تقویت جناح ارتجاعی تنگ سئائوپینگ صحبت نمودیم. در اینجا میکوشیم نگاهی به مشی عمومی رویزونیست - های سه جهانی در چین بیاندازیم.

رویزونیست‌های خیانت کارزمائی که در چین به قدرت رسیدند برای اعاده سرمایه داری اساسا همان راهی را در پیش گرفتند که رویزونیست‌های خروشچفی در برابر خود قرار دادند. آنان در رعب حمله به سیاست و ایدئولوژی پرولتاریا به اقتصاد سوسیالیستی نیتها جم نمودند. اگر رویزونیست‌های خائنین خروشچفی تحت پوشش "ساختن کمونیسم در ۲۰ سال آتی" به اقتصاد سوسیالیستی شوروی حمله کردند، رویزونیست‌های سه جهانی تحت پوشش "چهارم رنیزاسیون" (صنعت، کشاورزی، دفاع ملی، علم تکنیک) و تهدیل چین به کشوری نیرومند، دستاورد های سوسیالیسم را مورد تهاجم قرار دادند. سه جهانی های مرتد برای آنکه مبارزه طبقاتی پرولتاریا را خفه سازند و سیاست‌های کمونیستی را دفن کنند مطرح کردند که جامعه سوسیالیستی مبارزه طبقاتی پرولتاریا را محور فعالیت‌های حزب را تشکیل نداده و برای رشد اقتصاد باید به متخصصین و تخصصی و فن تکیه کرد و تکنولوژی مدرن را از خارج تأمین نمود. اما برآستی واقعیت چیست؟

روشن است که در یک جامعه سوسیالیستی تخصص و فن امر مهمی در جهت انکشاف تولید سوسیالیستی بشمار میآید، ولی مسئله اساسی اینجاست که آیا متخصصین سفید و رویزونیست هدایت امور را درست خواهند داشت یا متخصصین سرخ؟ که آیا با آنکه به پرولتاریا تکنیک را رشد باید داد یا با آنکه به امپریالیست‌ها؟ که آیا رشد اقتصاد به قیمت نابودی د یکتاتوری پرولتاریا و مشی و سیاست پرولتری تحقق خواهد یافت یا با تکیه بر ضرورت د یکتاتوری پرولتاریا و رهبری حزب کمونیست؟ اقتصاد سوسیالیستی بدون د یکتاتوری پرولتاریا حرف بوج و بیمعناست و روشن است که د یکتاتوری نیز از انجالاتم است که جامعه طبقاتی است و مبارزه میان پرولتاریا و بورژوازی، مارکسیسم لنینیسم و رویزونیسم ادامه دارد. در جامعه سوسیالیستی تمام فعالیت - های حزب باید به حول مبارزه طبقاتی صورت گیرد. زیرا در این جامعه در تمام عرصه های سیاسی، ایدئولوژی آموزش، اقتصاد، تکنیک و مدیریت... مبارزه طبقاتی انعکاس داشته و سیاست و د خط مشی تظا هر پیدا میکند: سیاست و خط مشی پرولتری و سیاست و خط مشی بورژوازی. پرولتاریا باید آگاهانه این مبارزه را تا برقراری جامعه بدون طبقه کمونیستی به پیش برد. پرولتاریا اگر مبارزه علیه بورژوازی و نمایندگان

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

(قسمت هفتم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

پیکار: رفیق روحانی، قبل از اینکه من سوالات خودم را درباره ملاقات شما با آیت الله خمینی، مضمون و نتایج این ملاقات در میان بگذارم، میخواستم برای اطلاع خوانندگان نشریه پیکار، از شما بخواهم تا درباره عواملی که موجب مسافرت شما در شهریور سال ۴۹ به خارج از کشور گردید توضیحاتی بدهید.

رفیق روحانی: همانطور که اطلاع دارید سازمان مجاهدین خلق ایران، از همان ابتدا یعنی شهریور سال ۴۴ که بنیان گرفت، ضرورت مبارزه مسلحانه و اعمال قهر انقلابی را در قبال دشمنان خلق یعنی امپریالیسم و رژیم منقریپهلوی، بعنوان یکی از اصول خدشه ناپذیر اعتقادی اش مورد تاکید قرار داد و توضیح این مسأله و نقد و رد شبهه های رفرمیستی و اصلاح طلبانه که در آن زمان از سوی حزب توده و جبهه ملی و نهضت آزادی مورد تبلیغ قرار میگرفت یکی از مأموریت اصلی آموزش اعضای سازمان را تشکیل میداد. ۳ سال پس از بنیان گذاری سازمان یعنی در سال ۴۷، از حمله مباحث مهمی که در درون سازمان و در رده های بالایی آن به بحث گذاشته شد، برخورد مشخص با مسأله قهر در شرایط جامعه ایران و با اصلاح تعیین خط مشی تاکتیکی بود. در همین سال و طی بحث های متوالی و مفصل در جمع ها و رده های بالایی سازمان، باین نتیجه رسیدیم که سرنوشتی که شد باید دشمن و نیروی انسانی و تاسیسات آنرا مورد حمله مسلحانه قرار داد و این حملات و ضربات میبایست در شرایطی عملی شود که سازمان تا حد معین و لازمی به کسب آمادگی نظامی ناخالص آمده و در عین حال دشمن کوچکترین اطلاعاتی از وجود سازمان، آمادگی نظامی و برنامه عملیاتی آن نداشته باشد.

من در اینجا نه فرصت آنرا دارم و نه جای آن هست که بخواهم به مقدور بررسی دیدگاه و بینش خرد بورژوازی آنروزمان از مسئله قهر انقلابی و مفاهم تاکتیکی و استراتژیکی آن و رابطه آن با مبارزه طبقاتی شده ها و سطح این مبارزه و مهمترین راهبردها باین دیدگاه و بینش بسا ایدئولوژی مذهبی و التقاطی سازمان مجاهدین بپردازم. این خود بحث جداگانه و در عین حال بسیار با اهمیتی است که باید جداگانه مورد توجه قرار گیرد.

بهر حال، سازمان مجاهدین خلق، در آن زمان، پس از تعیین خط مشی تاکتیکی خود و در همین رابطه، مسئله تدارک آمادگی نظامی را بطور فوری در دستور کار خود قرار داد و به برنامه ریزی در این زمینه پرداخت. در چهار چوب همین برنامه قرار شد، قبل از هر چیز با انقلابیون فلسطین و در آن زمان سازمان "الفتح" تماس گرفته شود و شرایط لازم برای آموزش نظامی عده ای از اعضا و کادرهای سازمان در اردوگاه های

فلسطینی فراهم گردد. اولین اقدام و کوشش جهت ارتباط و ملاقات با سازمان الفتح توسط خود من صورت گرفت و من موفق شدم در آذرماه ۴۸، در پاریس با "محمود همش" نماینده سازمان الفتح (که بعدها بدست عامل صهیونیسم در پاریس به شهادت رسید)، چندین ملاقات داشته باشم. این ملاقاتها متأسفانه بدلیل عدم پیگیری شهید محمود همش به نتیجه قطعی نرسید و بنده با اذ طریق دیگری

میشد، کوشش وسیعی را برای رهایی آنها آغاز کردم و کمیته مرکزی سازمان که من نیز جزء آن بودم، طی یک نشست خودنمیس گرفت، جمیع ویژه ای را باین کار اختصاص دهد و این جمیع بطور مستقل در خود محل یعنی دبی ترتیب آزادی زندانیان را بهر شکل ممکن فراهم سازد. مسئولیت این جمع و فعالیت آن از طرف کمیته مرکزی سازمان مجاهدین بر عهده من گذاشته شد و من در رابطه با این مسئولیت در روز ۱ شهریور

- ماد رخلال تماسهای دایمی و در عین حال مخفی که با زندان داشتیم، از برنامه استرداد مجاهدین در بند به ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و بطور غم فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲۰ ساعت) موفق شدیم طرح ربودن هواپیمای دومتوره ای را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبی به بند عباس منتقل نماید بمورد اجرا گذاریم.
- عراقیها با راه توسط عنصر جاسوسی بنام محمود پناه همان که دستیار تیمور بختیار در عراق بود و با حزب توده نیز روابط بسیار خوبی داشت و کوشیدند تا ما را باندن در عراق متقاعد کنند، اما ما که به ماهیت کثیف رژیم عراق آشنائی داشتیم، با قاطعیت تمام در برابر این کوشش توسط نگارنده آنها ایستادگی کردیم و برنامه های پناه همان مزدور عراقیها را نقض بر آب ساختیم و از آنها صراحتاً و سرسختانه خواستیم که هر چه سریعتر ترتیب خروج ما را از عراق جهت پیوستن به اردوگاه های فلسطینی فراهم کنند.

یعنی تماس با نمایندگان سازمان الفتح در قطر (از شیخ نشین های خلیج فارس) زمینه ملاقات با اعضای رهبری این سازمان بدست آمد. این ملاقات در اوایل تابستان ۴۹ میان نمایندگان سطح بالای سازمان مجاهدین و سازمان الفتح در عمان (اردن) صورت گرفت و آنها (سازمان الفتح) تعهد هر گونه کمک نظامی را در حیطه امکانها نشان نسبت بپذیرا شدند. بدنبال چنین تعهد همکاری ای، تعداد قابل توجهی از اعضا و کادرهای سازمان برای گذراندن دوره آموزشی به اردوگاه های فلسطینی گسیل شدند که پس از پایان دوره آموزش نظامی اکثر آنها به ایران مراجعت کردند. در همین رابطه تعدادی از اعضا و کادرهای سازمان که اکثر آنها دانشجویان با زکی فارغ التحصیل شده بودند اوایل تابستان ۴۹ جهت دریافت گذرنامه و سپس پیوستن به اردوگاه های فلسطینی از طریق قاچاق عازم دبی شدند. آنها با تحمل زحمات و مشقات بسیار موفق شدند بعنوان کارگرها جبر ایرانی، گذرنامه بگیرند، ولی درست بکروز قبل از مسافرتشان به بیروت یعنی ششم مرداد ماه ۱۳۴۹، تشنغرا از آنها دربار دبی و هنگام خرید لباس توسط پلیس دبی دستگیر و زندانی شدند.

دستگیری این افراد بلافاصله توسط یکی از اعضای سازمان که بطور متادبی در دبی از این جریان با خبر شده بود، به تهران اطلاع داده شد و سازمان با توجه به اهمیت حفظ جان این افراد و خطرات دیگری که از این طریق متوجه سازمان

۴۹ به دبی مسافرت کردم و در فرصت کوتاهی این جمع با شرکت شهید رسول مشکین قام، مجاهد صادق با دات در بند دبی، یک رفیق دیگر و خود من در دبی استقرار یافت فعالیت دو ماهه این جمع در دبی همراه با سیرکهای سی که از طرف دیگر همزمان مجاهد صورت میگرفت، موجب گردید تا تمامی راههای استخلاص مجاهدین از دبی مورد بررسی قرار گرفته و متناسب با شرایط و موقعیت های مختلفی که میتوانست بوجود آید، هر یک از این طرحها مورد استفاده قرار گیرد. ما در ابتدا و در عین حال که شیوه های تعرضی و مسلحانه را مورد توجه داشتیم، بمنای کار را بر این گذاشتیم تا از طریق دخالت عناصر فلسطینی (که در مقامات دولتی دبی کلامان موثر بود) در پیرونده و موارد آنها می مجاهدین اسیر حتی الامکان از تحویل آنها به رژیم سرسپرده شاه خودداری شود. ما در این زمینه کوشش وسیعی را آغاز کردیم و به پیشرفتهای زیادی هم نائل شدیم، اما نیکبایره متوجه شدیم که رژیم شاه با اطلاع یافتن از موضوع، قصد دارد هر چه سریعتر آنها را تحویل بگیرد. ما در خلال تماسهای دایمی و در عین حال مخفی ای که با زندان داشتیم، از برنامه استرداد مجاهدین در بند ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و بطور غم فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲۰ ساعت)، موفق شدیم طرح ربودن هواپیمای دومتوره ای را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبی به بند عباس منتقل نماید بمورد اجرا گذاریم باین ترتیب

— های توطئه گرانه آن و این موضعی انقلابی بود و جز این هم از ما انتظار نمیرفت و اینرا هم تمامی سرمداران رژیم جمهوری اسلامی و بیش از همه شخص آیت الله خمینی نیز بخوبی میدانند اما آنها برای مقابله با جنبش توده ای و سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست و در جهت فریب داده ها میگویند و دیگر نیروهای کثونیستی و انقلابی را با اصطلاح وابسته به رژیم ارتجاعی عراق و امیرالایسم آمریکا و... قلمداد نمایند! آنها غافلند از اینکه عوام فریبی آنها تارکی ندارد و قتل آرتاها رژیم شاه نیز در همان زمان که مادر عراقی بر سر کنجه بودیم و پس از آن تا آخرین روز حکومتش ما را منجم به ارتباط با عراق و آمریکا و شوروی میکرد. و البته اگر رژیم شاه در این فریب کاریها و عوام فریبیها توانست طرفی ببیند، اینها نیز طرفی خواهند بست، اما شما و ما دیدیم که توده ها چگونه با سخ خود را به لافا ثلاث رژیم شاه دادند، بدون تردید سرنوشت اینان نیز جز این نخواهد بود!

"ادامه دارد"

بشده از صفحه ۱۳ در چین ...

مالی به برخی از استانها، برسمیت شناختن تجارت کوچک و رسمیت بخشیدن به استرداد سرمایه های صادره شده یکسری از سرمایه داران. در این مورد رویزونیستهای خائن مطرح میکنند:

"از آنجاکه اخیرا سرمایه های بانکسی سرمایه داران به آنان پس داده شده و باردیگر مشاغل پررآمدگمارده شده اند، بعضی ها تصور میکنند که سرمایه داران هنوز در استثمار بگران دست دارند و قبول ندارند که طبقه ای سرمایه دارد بگردد موجودیت ندارد. اینها سیاست حزب را در "خریدن" سرمایه داران درک نمی کنند! (همانجا)

بدین ترتیب متوجه میشویم که بورژواهای نوین سه جهانی چگونه به دستاوردهای ساختمان سوسیالیسم حمله برده و راه سرمایه داری را بشدت تمام تعقیب می نمایند رویزونیستهای مرتجع تا آنجا به پیش رفته اند که وقیحانه از سرمایه داران قدیمی نیز تجلیل کرده و سرمایه های آنان را مسترد می سازند. آری امروز در چین بورژوازی به حاکمیت رسیده، سوسیالیسم را نابود کرده و طبقه کارگر را استثمار نموده ولی مکارانه میگویند:

"طبقه ای سرمایه دارد بگردد موجودیت ندارد! آها واقعا چنین است؟

ادامه دارد



— شعبه ها را در نیمه های شب آنقدر شکنجه دادند که از هوش میرفت و تن مجروح و نیمه جان او را به سلول میاوردند.

این وضع تا چند هفته بطول انجامید، تا آنکه با کوشش و بیگیری سازمان و پس از آن که تلاش ما برای دخالت آیت الله خمینی به نتیجه نرسیده بود، نماینده سازمان آزادبخش فلسطین در بغداد همراه با رفیق تراب حق شناس، با مسئولین عراقی دیدن کرده و آن دو در همان زندان به دیدن ما آمدند و از این پسید مقامات عراقی محبوس به عقب نشینی شده و دست از شکنجه و بدرگیری نسبت به ما برداشتند و از این هنگام کوشیدند که با انواع حیلها ما را متقاعد کنند که در همان عراقی بمانیم و قبول خودشان در کنار آنها با رژیم شاه مبارزه کنیم. عراقیها با رهبا توسط عنصر جاسوسی بنام محمودینا هیان که دستیار تیموری بختا و در عراق بود و با حزب توده نیز روابط بسیار خوبی داشت، کوشیدند تا ما را به ماندن در عراق متقاعد کنند، اما ما که به ما هیت کشف رژیم عراق آشنا شدیم، با قاطعیت تمام در برابر این کوشش توطئه گرانه آنها ایستادگی کردیم و برنا مه های پناهیان مزدور و عراقیها را نقش بر آب ساختیم و از آنها مصرا نه و سرسختانه خواستیم که هر چه سریعتر ترسب خروج ما را از عراق جهت پیوستن به اردوگاههای فلسطینی فراهم کنند.

مقامات عراقی وقتی فهمیدند که ما هیچ قیمتی حاضر نیستیم در برابر فشار و تلطیع آنها تسلیم شویم و به آنان امتیازی بدهیم، سخت ناراحت شدند و به نمایندگی الفتح که سرانجام توانست ما را از دست پلیس سیاسی عراق و محدود پناهیان تحویل بگیرد، شرط کردند که پس اینها تنها بدر عراق بمانند و همینطور هم شد. یا دم همت که افسر فدا اطلاعات عراق بنام سروان بوس که مسئول پرونده ما بود وقتی سرسختی ما را برای رفتن به فلسطین دیدم و مشت را روی میز کوفت و گفت "پس شما بدر ما نمی خورید!" پس از دیدار ما بنده سازمان آزادبخش و رفیق تراب از ما، مدتی برای معالجه در یکی از بیمارستانهای نظامی بغداد بستری شدیم.

بدنبال خروج از بیمارستان و قبل از پیوستن به اردوگاههای فلسطینی، پناهیان مزدور را با به ملاقات ما آمد و کوشید تا یکبار دیگر شانس خود را بیجا زمان بدو سپهر ترتیب شده ما را به ماندن در عراق متقاعد کند و کلی هربا سرسخت تر از پیش با پاسخ منفی ما روبرو میشد و گفتنی است که ما آخرین درخواست او و عراقیها را مبنی بر مصاحبه را دوسلو بریوسی نیز رد کردیم. و با لایحه ره بدشال قناری که مرتباً به مقامات عراقی جهت خروج از عراق وارد میا و ردیم و با کوشش و فعالیت دفتر نمایندگان سازمان آزادبخش فلسطین در بغداد، موفق شدیم عراق را ترک و به اردوگاه های فلسطینی و سایر همزمانان که از مدتها پیش به آنجا رفته بودند، بپیوندیم.

بله، این بود برخورد ما با رژیم عراق و پناهیانه

با اجرای این طرح سونو شهید رسول مشکین قام معاهداتی صادقانه و خود من، ۶ تیر معاهداتی بین ما و رفیق سیدخلیل سید احمدیان (عضو فعلی سازمان یکار در راه آزادی طبقه کارگر)، رفیق کاظم شعبه ها، رفیق محسن نجات حسینی، رفیق حسین حور و... معاهدته شد محمودی نخی و معاهد موسی خیابانی، در حالیکه به کنجه کاهای اهریمنی ساواک گسیل می شدند. آزاد گردیدند و برای گذراندن دوره آموزش نظامی به اردوگاههای فلسطینی بفرستادند.

پیکار: رفیق! آنطور که من اطلاع دارم و فکر میکنم برخی از مردم نیز در جریان آن قرار گرفته باشند، مساله شکنجه شدن شما و همزمانان توسط رژیم بعث عراق در زندان بغداد است؛ از شما میخواهم تا در اسامودا کتوفیضاتی دارید بدهید.

رفیق روحانی: از همان هنگام که بر نامه رسمی جهت آزاد ساختن ۶ معاهد اسیر در بی، کم و پس از ماهیت رژیم بعثی عراق و موضعگیریهای سوداگران در قبال نیروهای انقلابی که به ظاهراً رحمانت آنها میزد با اطلاع بودیم و به همین دلیل در طرح اولیه ای که داشتیم، مقصد سیاسی خود را جمهوری دیمکراتیک یمن (بمسئولیت) در نظر گرفته بودیم، اما این طرح دارای اشکالاتی بود، چرا که بر اساس این طرح میبایستی هوایسانی ما در ریاض (سعودی) سوخت گیری می کرد و این یک ریسک کامل بود و طرح ما را به احتمال زیاد دچار شکست میکرد و لذا ما نمی توانستیم این طرح را پیاپی ده کنیم. به این ترتیب با توجه به تدریجاً از هوا پیمای دومونوره هیچ زاهی حرفی به بغداد وجود داشت و حتماً اطلاع داری که طی این مسیر نیز که کوتاه ترین مسیر بوده باعث طول انجامید، آنها با مخاطرات مسعود، چه در هنگام سوختگیری در فرودگاه دوحه و مرکز قطر (و چه در موقع دحان مره هوا پیمای ما توسط حبه ای شکنجه گویست در آسمان این سیح سس

بهر حال سلافا صله پس از ورود به بغداد، مقامات عراقی ما را به محلی که در ساختمان وزارت دفاع قرار داشت هدایت کردند. هنوز چند ساعتی از ورود ما به این محل نگذشته بود که ما را بطور جداگانه یکی از زندانیان قدیمی بغداد دیردو سلافا صله با زهری از ما که همراه با فحاشی و شکنجه بود، شروع کردند. آنها با توجه اینکه ما را نمی شناختند نسبت به ما مشکوکند، بدین ترتیب فشارها را به ما وارد کردند. بعنوان مثال، معاهد شهید رسول مشکین قام را با سرحدی که شکنجه کردند. معاهد موسی خیابانی را جداگانه با تلیک کلوله در کنار سزا و تهدید به مرگ کردند. خود ما تا آنجا شکنجه دادند که مدتها در همان بغداد در بیمارستان بودم. رفیق حسن خوسرو را عتبا به سقف آویزان کردند و در مقابل چشم من او را شکنجه دادند. رفیق کاظم



■ نامه يك مادر مبارز

سلام بر خلق قهرمان کرد!

من يك زن خانه دار هستم، كه هوادار آزمايـان پيكارم باشم، فرزندان من در خواندن انتشارات سازمان پيكاربا من همكاري ميكنند، بعنوان يك فرد هوادار هميشه در فكر اين بوده ام كه با امكاناتي محدود كه دارم بتوانم كمكي براي سازمان در راه مبارزه با سيستم سرمايه داري وابسته و ناپودي استعمار و برقراري حكومت زحمتكشان باشم. بـنا بر اين بهتر اين ديدم كه در محدوده امكانات مالي خود پولپورهايي و مقصداري لباس گرم براي خلق قهرمان كرد و بيشمرگان دلاور كردستان بيايم. ا ميدوارم كه اين كمك ناچيزم شربا شد. با آرزوي پيروزي نهايي خلق قهرمان كرد.

با درود فراوان در - ر

رفيق مادر!

دروهاي گرم و صميمانه ما را بپذير! از اينكه چنين هديه ارزنده اي را براي ما فرستادي، سپاسگزاريم. كمك بظا هر ناچيز تو كه از ارزش والائي برخوردار است، همانند ساير كمكهاي ديگري كه از سوي ديگر زحمتكشان ميهنمان به سازمان ميشود، ما را دارا دارا همراهان كه همان آزادي طبقه كارگر و زحمتكشان ديگراست ياري ميرساند و عزممان را در مبارزه عليه سرمايه داري راسختر ميكنند.

باشد كه به همراه كارگران، زحمتكشان و خلقهاي ميهنمان، با ساط سلطه مپريا ليم، ستموا ستعمار را براندازم و حكومت كارگران و زحمتكشان را برقرار سازيم!

به اميد پيروزي!

■ رفقاى كميتۀ كارمندی

انتقادات شما رسيد، نظراتن در مورد ضرورت توجه بيشتر به هواداران و جنبش كمونيستي كاملا صحيح است. البته ما پس از كنگره تلاش نموديم با گسترش دمكرا تيسم تشكيلاتى با دامن زدن به مبارزه ايدئولوژيك. و علني نمودن بخشهاي وسيعي از تجربيات و جمعبنديهاي مبارزات دورني، بـين خود و هواداران و جنبش كمونيستي ديوار چين نگشيم. تلاشهاي ما در هر سه زمينه (از جمله ميتوان به تفصيلات وارده به پيكار، انتشارات ركلية قطعنامه هاي كنگره كه در دست انتشار است و دامن زدن به مبارزه ايدئولوژيك اشاره كرد) گواه اين واقعيت است. اما نکته اي كه بايد در نظر گرفت همانا نقش فعال هواداران در دامن زدن به مبارزه ايدئولوژيك

لوژيك و برخورد انتقادي به مجموعه مواضع و عملكردهاي سازمان است. رفقاى هوادار اگر چه در ارتباط و ترويج مواضع سازمانسي و گسترش نفوذ و حضور سازمان در مبارزات توده ها از هيج تلاشي فروگذا رنستند. اما در عين حال با بديبه نقش خويش در تشديد مبارزه ايدئولوژيك درون سازمانني توجه بيشترى بكنند. بيشنها در انتقادات و... ضمن آنكه بر اساس اصل سازمان ليم دمكرا تيك صورت ميپذيرد، هيجگاه نبايد وسيله اي در جهت توجه كاستها، برخورد هاي انتقالي و گرايشات انحلال طلبانه نو... گردد. رفقا! پذيرش ديسپليني و رعايت سازمانتر - آليسم عليه رعم وجود هرگونه انتقادي كه در چهره ر - چوب يك تشكيلات قابل برخورد است، از الفباي هر تشكيلات كمونيستي است. متقابلا وجود دمكراسي درون سازمانني نيز از شرايط اوليه حيات هر سازمان كمونيستي است. دمكراسي درون سازمانني نتيجه نديدون توجه به نقش توده هاي هوادار و جنبش كمونيستي معناي درستي داشته باشد. ما ديگر چريكهاي دوران قبل نيسيم. كه براي ما صرفا عمل مقدس با شدويه ايدئولوژي بها ثي دهيم. ما ديگر چون گذشته خود را "چريكهاي افسانه اي" تميدانيم كه هواداران با بديدنياه روپشت جبهه آن باشند ما از تما مي هواداران انتظار داريم، ضمن گسترش پرا تيك انقلابي خود، به نقش ايدئولوژي بها ي بيشترى دهند، در امر مبارزه ايدئولوژيك درون سازمانني فعالانه تر برخورد نمايند و در يك كلام سازمان را در پيشبرد خط مشي صحيح و انقلابي م. ل ياري رسانند. رفقاى مشول نيز با يدروح چنين شيوه برخورد رايستما مي هواداران بيا موزند و خود بكار ببنند، تا به اين ترتيب بتوانيم همها روحيات بوروكراتيك و ديكتاتورمنشانه مرزبندي نما شيم و هم بها گرايشات ليبرالي و دمكراسي بورژواشي. اين

معرفی يك نوار ایرانی نان عراقین جنگی زحمتكشترین "خير"ينه دگيل

ترجمه تركي مجموعه اي از بيانیه ها و مقالات تشرية پيكار در مورد جنگ ايران و عراق توسط كميتۀ آذربايجان سازمان بصورت نوار در اختيار زحمتكشان قرار گرفته است. نام اين نوار "ايراني نان عراقين جنگي، زحمتكشترين "خير"ينه دگيل" است و در زبان فارسي به مفهوم "جنگ ايران و عراق بفتح زحمتكشان نيسـت" ميباشد. كارگران و زحمتكشان آذربايجانسي بهر طريق ممكن اين نوار را تهيه و بدامن گوش دهند.

تشرية پيكار ضمن تحسيس اين اقدام رفقاى آذربايجان، در انتظار رفعا لبيت هر چه بيشتر آنها وسا يرفقا در اين زمينه ها ست.

دوا نحراف مرزها نتراليم و دمكرا تيسم را مخدوش ميكنند و به چپ و راست درمي غلطند. با درو دهاي رفيقا نه پيرو زبا شيد!

■ رفقا توم

بيشنها دها و انتقاداتتان رسيد. ما از انيكه شما اينچنين فعالانه پيكار و دمكرا تيسم مواضع سازمانني وضعفها ييش برخورد ميكنيد بي - نهايت خوشحاليم. در نماه اخيرتان ما شل بسيا رزيادي را مطرح كرده بوديد كه ميگوشيم به برخي از آنها پاسخ دهيم:

در مورد حزب كمونيست چين، نظرات مندرج در پيكار صرفا موضع هيات تهريري نه بود، بلكه تشرية مواضعي است كه در كنگره ذكر شده. رثوس آنچه كه در پيكار در باره حزب كمونيست چين منتشر شده، همان است كه بعنوان مرزبندي بنا نظرات راستروانه رفيق ما شوتسه دون در كنگره مورد تاشيد قرار گرفت.

در مورد برخورد آلباني. نسبت به ايران كه سوال كرده ايد موضع سازمان است با هيئت تهريري، پاسخ ما اين است كه زمانيكه ما از ماهيت رژيم ايران و جنگ كنوني صحبت ميكنيم (بر اساس مواضع سازمانني) اين دقيقا به معناي مرزبندي با كليه نظرات انحرافي مبنی بر ضد امپرياليسـت دانستن رژيم جمهوري اسلامي و با عادلانه دانستن اين جنگ ميباشد. و بر همين پايه است كه ما به نظرات انحرافي حزب كار آلباني برخورد نموده ايم. و هم اكنون نيز در ضد برخورد با بيانیه حزب كار آلباني در مورد جنگ ايران و عراق هستيم.

در مورد تفاوت بين نظرات راهكارگر و رزمندگان با اقليت و وحدت انقلابي كه اولي جنگ را عادلانه و دسته دوم جنگ را ارتجاعی می دانند، در همين شما ره پيكار و در شما ره هاي بعد برخورد ميكنيم و در پيكار رثو ريك نيز به آن بيشتر برخورد خواهش. گزارش شما در مورد تاثيرات نظرات ما در ميان ساير نشرو ههاي كمونيستي بسيار قابل استفاده بود در همين جا از كليه رفقا ميخواهيم در مناطق خويش تاثير نظرات سازمان بر جريانها ت ديگرا را رزيابي كرده و آن را براي ما ارسال نمايند.

به انتظار برخورد فعال هر چه بيشتر شما!

پيرو زبا شيد!

■ رفيق مسول ده غرب

بيشنها دانت رسيد و مورد توجه قرار گرفت در مورد محدوديت اعلاميه ها و پيكار روضا شم آن از طرفي از جنبه امكانات چاپي، محدوديتها شي بوجود آمده است و از طرف ديگر در پيش آن نيز مشكلاتي وجود دارد، از اينرو ضمن آنكه ما ميگوشيم تا اين مشكلات را رفع نما شيم، كليه رفقا موظفندا اعلاميه ها، تراكتها و پيكار را تكتشير كرده و در پيش آن نيز فعالانه تر بكوشند. و بيا قسمتها شي از ترا بزرگ نموده و به ديوار نصب نمايند.

دست را ميغشا ريم.

موفق باقی !

شرکت حزب ارتجاعی "رهبران در جنگ"

طبق اطلاعات رسیده، حزب ارتجاعی "رهبران در جنگ" اعلامیه‌ای را با وسیله اسلحه و به وسیله جنگ فرستاده است. این حزب در صف‌ها بین بازاریها، بنفوذ زیادی دارد. عده‌ای از بازاریها، این شهر عضو حزب "ارتجاعی" و "ارتجاعی" هستند. این فقط "سجانی" ها و سایر روستاها و روستاها (این خائنین به طبقه کارگر) هستند که با برای رژیم‌های ارتجاعی چون جمهوری اسلامی، دل سوزانند چرا که حاکمان در کرب و جود چنین رژیم‌هاست. اینان از سرما به دفاع میکنند و سرما به داران از اینان!

رژیم جمهوری اسلامی دوباره کودتاچیان را بکار می‌گیرد

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت طبقاتش سرپرستان و کودتاچیان را به فعالیت فرا می‌خواند، و از آنها برای سرکوب زحمتکشان عراق و خلق کرد استفاده میکند. رژیم به تازگی ارتش‌های را که اخراج و یا زندانی بودند و یا در کودتای سنگین اخیر شرکت داشتند دوباره کار گرفته است. افراد زیر همان‌ها هستند که بقول رژیم جمهوری اسلامی بر علیه "مستضعفین" می‌خواستند کودتا کنند. عجب! وجهه‌هاست حالا دیگر کودتاچی و ضد اسلامی نیستند؟! این افراد عبارتند از:

- ۱- سروان خلیان آیت (این شخص کسی است که پس از قیام توسط پرسنل انقلابی ارتش تصفیه شد ولی مجدداً در حمله وحشیانه رژیم به کردستان به کار گرفته شد، این فرد جز کسانی است که در رابطه با کودتاچیان دستگیر شده بود) ۲- سروان خلیان مهدی باز ۳- سروان خلیان ناصر ۴- سپهبد منصور پور - سرهنگ کیمیاگر ۵- سرگرد بیدگلی ۶- سرگرد خلیلی ۸- سرگرد مکی ۹ - بقیه در صفحه ۲۱

منتخبی از اخبار جنگ

گویند می‌شود، با داران خدا انقلاب در شرایطی که: هالی خانه‌ها هنوز سر آوار بودند، با حمله وحشیانه خود و شکستن قفل جدا آنها بدستمال اعلامیه و کتلهای خدا نقلی! میکنند. در پاسخ مردم که علت این کار را را می‌پرسیدند می‌گفتند که میخواهیم ببینیم که اگر کسی از آنها کمونیست بود اسمش پدرویش نگذاریم.

خوش رقصی رویزونیستها و نودهنی رژیم به آنها!

مدتهاست که فریاد "ملی و خدا میرا نیست" بودن رژیم جمهوری اسلامی، از جانب رویزونیستهای "نوده‌ای" و "فدائیان اکثریت" شنیده میشود تا کنون با تمام قدرت به تظاهرات رژیم پرداخته اند و جمله در جنگ با عادلانه اخیر، رویزونیستها (خائنین به طبقه کارگر) شعار دفاع از رژیم جمهوری اسلامی را داده و با این بیت خود را موظف میدانند که در جنگ شرکت کنند. جریکهای "اکثریت" در هفته‌های اخیر عده‌ای از افراد خود را برای جنگ به فرستادند می‌فرستند اما با بی شجاعتی که مل ارتش و با سدا را مواج میشوند. نیروهای رژیم به آنها هیچگونه هماهنگی و همکاری با آنها نمیکنند، بلکه از دادن امکانات و آذوقه نیز کوتاهی میکنند و نیروهای اکثریت با این وضعیت که تنها موجب هرز رفتن نیرویشان میگشت، عقب نشینی می کنند. در ضمن حدود یک ماه پیش از این ۲۵ نفر از افراد حزب توده "آ" مادگی خود را برای جنگ با حکومت بعث عراق اعلام میکنند و میخواهند که در اختیار سپاه و ارتش قرار بگیرند. سپاه ۲۵ نفر را و طلب را از عملیات "آ" مادگی مورد تخفیر که مل فرار می‌دهد و پس از با این عملیات "آ" مادگی از بدین فرس آنها خودداری میکنند.

آقای چمران سهمیه اش را می‌خواهد!

روز چهارشنبه ۲۴/۷/۳۰۰۰ نفر از سازمان منقعی خدمت ۵۶ را بعنوان سهمیه ژاندارمری به اهواز منتقل میکنند. هنگام ورود این سربازان به پادگان، دکتر چمران به همراه یک روحانی سر میرسد و میگوید که "اینجا برای من سهمیه من هستند!" برای تربیت کماندو. در این موقع استوار ژاندارمری که برای تحویل گرفتن این سربازان بخت برگشته آمده بود، روی "سهمیه" ژاندارمری بودن سربازان تکیه میکند و لای آقای چمران میگوید "من عضو شورای دفاع هستم و هر چه من بگویم درست است" و بالاخره علیرغم تمایل خود سربازان، جناب چمران به "سهمیه" اش میرسد! سهمیه‌ای که برای کشتار ارسال میشوند!

ارزش جان انسان بیشتر است یا گاو شیرده؟!!

با نگاهی آبان تنها دو روز در هفته (یکشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها) باز است و به هر شخص بیش از ۳ هزار تومان پرداخت نمیکند در این روزها تعداد زیادی از مردم جلوی بانکها صف می‌بینند. حقوق کارگران بطور کامل پرداخت نمیشود و به آنها فقط ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان به عنوان مساعده میدهند. ضمناً کارگران شرکت نفت و ادارات دیگر (از جمله تصفیه آب در فرام آبادان و "کمرک" خرمشهر) نیز به سرکار خوانده میشوند. یکی از کارکنان "تصفیه آب دیری فارم" می‌گفت که: "تمیذا شوقی که شرکت تعطیل است چرا ما را به آن محل خطرناک میبرند؟" (توضیح اینکه این محل در کنار خط العرب قرار دارد) جالب اینجاست که گاوهای شیرده شرکت نفت را از آن محل برده اند. گویا جان انسانها را بیشتر از گاوهای شیرده دارد.

"به جبهه جنگ شتافتن" خامنه‌ای!!

روز پنجشنبه ۱۷ مهر ماه منتهای که مرتب از طریق رادیو و تلویزیون، مردم را "بمبش" و "نوشیدن شربت شهادت" دعوت میکنند، برای برگشتن از اهواز یک هواپیمای اختصاصی ۸ نفره را که مخصوص خاندان سلطنتی بود با تانک‌ها همراه میکند. یک پزشک حاضر در فرودگاه اهواز و میخواهد تا مریض مشرف به مرگ را با خود به تهران ببرد. خامنه‌ای ابتدا قبول میکند ولی پس از آنکه خلیان میگوید که هواپیما ظرفیت ۹ نفر را ندارد، خامنه‌ای میگوید، چون باید پادشاه را همراه خود ببرد، نمیتواند مریض در حال مرگ را به تهران ببرد.

خبری از اهواز

۵۹/۷/۱۹ - طی حمله عراق به زیرتوان کارمندی ۲۵ نفر کشته شده و تعدادی خانه در هم



بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ
غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

کمونیستها را کاهن می‌دهد پراکنندگی صفوف آنها است.

این پراکندگی اگرچه در پروسه مبارزه در جهت ایجاد حزب طبقه‌وپا لایش جنبش از انحرافات غیرپرولتری به وحدت کامل تبدیل خواهد شد، لیکن مبارزه در جهت وحدت هرچه بیشتر صفوف کمونیستها وظیفه همه نیروهای کمونیست است. درک ضرورت فشرده‌تر کردن صفوف خویش در جهت پاسخگویی لازم به ضروریات مبارزه طبقه‌ای و تحقق آرمانهای پرولتاریا، درک ضرورت وحدت تشکیلاتی نیروهای که از نظرات اصول برنامهای (معیارهای وحدت) وحدت نظر دارند، گروه‌های را طی برخوردی انتقادی به گذشته، به سمت وحدت سوق داد و براساس وحدت ایدئولوژیک - سیاسی روی مبنای اساسی و مبنای وحدت تشکیلاتی کمونیستی گروه‌ها و سازمان پیکار وحدت تشکیلاتی خویش را تحقق بخشیدند.

مرور مختصری بر گذشته گروه

پرونده شکل‌گیری محفل، به سالهای ۵۴-۵۲ بر میگردد. این دوران مقارن بود با حاکمیت کامل مشی چریکی. بدنبال غلبه رویزیونیسم بر اجزای کمونیست جهان، مشی آوانتوریستی چریکی در برخی کشورها سر بلند می‌کند و بخشی از جنبش‌های نوپای کمونیستی را به انحراف میکشاند. در ایران نیز مشی چریکی به مثابه واکنشی در مقابل رفرمیسم، انقلابیون جوان را به مدت ۸ سال دچار انحراف می‌آورد. در مقابل نقش فاشه این جریان، جریانات محدود دیگری شکل می‌گیرند که اگرچه به نفع جنبه آوانتوریستی مشی چریکی می‌پردازند، اما به سبب جوانی و ضعف جنبش دچار انحرافات دیگری می‌گردند. برخی به راستیب الگومای از انقلاب چین درمی‌غلطند، برخی به التقاطی از مشی چریکی و مشی سیاسی - توده‌ای دست می‌زنند و برخی دیگر به دنباله‌روی از افکار عقب مانده طبقه کارگری می‌پردازند.

وجه مشترک تمامی این جریانات سطح نازل دانش سیاسی و عقب ماندگی مفرط ایدئولوژیک - سیاسی آنها بوده است.

محفل اولیه که در ارتباط با برخی جریانات فوق بوده است، زمانی آغاز به تشکیل گرفتند می‌کنند مشی چریکی به بن بست درونی خویش دچار گشته و ناتوانی خویش را در نفوذ بین طبقه و اقشار زحمتکش جا می‌دهد به معرض نمایش گذاشته بود.

بدین ترتیب محفل - با طردا شکل مبارزه چریکی - به سوی کارگاه‌ها نهاد می‌ماند زحمتکشان سنگین می‌کند، لیکن درک بسیار محدود از کمیسوم و وظایف کمونیستی، تنها در شکل با مشی چریکی مرزبندی می‌نماید و نه در

قرار دادند. این مواضع منطبق با مواضع رفقای انقلابیون بود. کنگره گروه با توجه به شناخت قبلی از سازمان، مطالعه برخی متون تصویری کنگره و آخرین مواضعی که سازمان اتخاذ کرده بود، وحدت فوری با سازمان را در دستور کار گروه قرار داد و وحدت دو گروه بعد از چند هفته بر خورده‌ها عملی شد.

وحدت با رفقای "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" از فرازونشیبهای فراوانی گذشت و تجربیات و درس‌آموزیهای فراوانی برای دو طرف در برداشت. طی این پروسه ما دیدگاههای وحدت خود را تعمیق بخشیدیم. و به درک عینی‌تری از ضرورت و اهمیت وحدت جنبش کمونیستی نا ایدیم و رفقا نیز با رد گریشات آکونومیستی و گروه‌گرایی نه‌ها کم‌بزرگ‌تر و در مجموع مبارزه ایدئولوژیک درون گروهی خویش را تعمیق بخشیدند. این وحدت که حاصل پروسه مبارزه ایدئولوژیک عمیق فی مابین ما و رفقای انقلابیون می‌باشد، قدمی است هر چند کوچک در جهت تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران که در عین حال تجربه‌آموزنده‌ای برای جنبش کمونیستی ایران نیز بشمار می‌آید.

سازمان پیکار در دراز مدت آزادی طبقه کارگر

جا می‌دهد تا تگرش انقلاب و ناتوانی پاسداران نظم‌کهن است.

روند اعتلا یا بنده جنبش انقلابی از یکطرف و فعالیت اپوزیسیونهای ارتجاعی و رویزیونیستی‌های غاشن از طرف دیگر چنان شرایط پیچیده‌ای را بوجود آورده است که سنگین‌ترین وظایف و پاسخگویی را از جنبش کمونیستی ایران می‌طلبد.

اما جنبش کمونیستی ایران که هنوز ناظر به پیوند با طبقه در سطح نازل است، دچار رشتخت ایدئولوژیک - سیاسی و پراکندگی تشکیلاتی است. جنبش جوان کمونیستی مادرشایطی بسوی ایجاد حزب خویش گام بر میدارد که نهضت - های کارگری جهان اسیر رویزیونیسم - این دشمن مکار پرولتاریا است - غلبه رویزیونیسم (در اشکال گوناگون خود) طبیعتاً انعکاس خود را بر جنبش کمونیستی ایران می‌گذارد و آنرا موردتهاجم ایدئولوژیک قرار می‌دهد و گریشات تسلیم طلبانه و متزلزلی را که در پوشش مارکسیسم فرو رفته اند تقویت می‌نماید. زمینه روشنفکری جنبش کمونیستی نیز آنرا در مقابل این تهاجمات ایدئولوژیک آسیب پذیر می‌نماید.

اما علیرغم تمامی این ضعفها و تهاجمات شرایط عینی رشد انقلاب و جنبش‌های توده‌ای چشم انداز بسیار شکوهرخشانی را نوید می‌دهد آنچه در چنین شرایطی توان و پتانسیل بالقوه

بقیه از جنبه اطلاعیه

همزمان با پیشرفت مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان و توجه بیشتر به مروجت جنبش کمونیستی، وحدت با رفقای انقلابیون آزادی طبقه کارگر، وحدت این رفقا و ما با سومانع دیگری مواجه گشت. این مانع عبارت بود از یک گرایش "گروه‌گرایی" در رفقای انقلابیون که برخی اختلاف نظرات و ابهامات پیرامون مواضع ما و خودشان را مطلق کرده و وحدت دو گروه را موقوف به حل این ابهامات و اختلاف نظرات مینمود. علیرغم توضیحات ما در آن زمان، متأسفانه این گرایش عمل نموده و وحدت دو تشکل را برای چندین ماه به عقب انداخت. در همان زمان برای ما روشن بود که این گرایش، موجب ات‌خرده‌کاری هر چه بیشتر گروه (و طبیعتاً ما را) فراهم می‌آورد. و همینطور هم نشود و گروه برای مدتی حرکت کرده - کارانه و استقلال گرایانه خود را ادامه داد.

همزمان با برگزاری کنگره دوم سازمان، ارتباط رفقای انقلابیون و ما دوباره فعال گشت. کنگره رفقای انقلابیون در اوایل کنگره دوم سازمان برقرار شد. بر حسب توافق طرفین رفقای سازمان در یک جلسه کنگره رفقای انقلابیون شرکت جنبه و آخرین مواضع و نقطه - نظرات جدید سازمان را در اختیار کنگره رفقا

جنبش کمونیستی در دوران حساسی بسر می‌برد. هم‌اکنون حدود ۲ سال از سرنگونی رژیم سرسپرده شاه می‌گذرد. مبارزه عظیم و حماسه آفرین توده‌های زحمتکش مایسب فقدان ستاد رهبری طبقه کارگر نتوانست، به پیروزی منجر گردد. بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه‌سنجی نتوانستند به اتکاء توهم توده‌ها بر قدرت تکیه زنند. اما تناقضات ذاتی سرمایه داری وابسته ایران چنان بحران عمیقی را بوجود آورده است که تحقق خواسته‌های زحمتکشان جز با رفع این بحران یعنی جز با نابودی سرمایه داری وابسته امکان پذیر نیست. تداوم جنبشهای اعتراضی و مبارزاتی توده‌ها پس از قیامها به نگر تعمیق مبارزه طبقه‌ای و سیرا اعتلا یا بنده تحولات جامعه است. رژیم جمهوری اسلامی روز به روز ماهیت سرکوبگرانه و ارتجاعی خویش را آشکار می‌آورد و مبارزه کارگران و دهقانان و دیگر توده‌های عظیم خلق گسترش بیشتری می‌یابد. پرولتاریای ایران به رغم عدم تمرکز وضع آگاهی خویش به علت آنکه در مرکز بحران قرار گرفته و یک تجربه عظیم را پشت سر نهاده است از چنان پتانسیل بالقوه‌ای برخوردار است که در مقایسه با گذشته خویش تاکنون بی نظیر است. دهقانان و دیگر زحمتکشان جا می‌نمایند روز به روز به محنه مبارزه سیاسی پا می‌گذارند. هر دم اقشار بیشتری از توده‌ها از توهم بیرون می‌آیند و متلاطم سیاسی

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

رفقا بود، چرا که رفقای گروه علیرغم تلاش خستگی - نا پذیرشان از پشتوانه تبلیغات سیاسی محروم بودند، این امر اگرچه واقعیتی را دربرداشت اما نمی توانست برای ادامه حرکت مستقل از دیگر نیروها کافی باشد، مگر اینکه مرزبندی های اساسی وجود می داشت.

در ادامه خود، گروه پروسه مذاکرات با پیکار را معلق نمود تا دیدگاه های خویش را تدقیق نماید. چنین امری طبیعتاً از درک درستی ناشی نمیشد، چرا که قطع یک پروسه تنها در صورت مرز بندیهای اساسی میتوان دانست پذیرد و موکول کردن وحدت به یک پروسه اشیا مدرنی، در واقع بهیچانگر عدم حقیقت ایدئولوژیک - سیاسی حرکت مستقل بود، البته در این زمان گروه با درکهای راستروانه زمان پیکار در مورد بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی اختلاف داشت، اما نکته مهم در اینجاست که گروه بدون مشخص کردن جایگاه اختلافات و تناقضات در وحدت، پروسه وحدت را متوقف گردانید. قایل ذکر است که در این امر رفقای پیکار بر خوردی فعال تر و مولیتز با ساله وحدت می نمایند، لیکن با فشاری غیر اصولی مادریه سوسیال انداختن پروسه وحدت مانع برخورد فعال در این زمینه گشت هر چند عدم پیگیری بعدی رفقای پیکار در به تعویق افتادن پروسه نیز موثر بوده است.

از طرف دیگر آنچه به حرکت مستقل توانست تا شیر بگذارد، تحول درونی رفقای رزمندگان بود. رزمندگان که از درگیریهای درونی خویش سر بیرون آورده بود، حرکت فعالی را در جهت مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش صورت داد. مدتی گروه بر اساس رادیکالیسم خود تحت تا شیر حرکت رزمندگان قرار گرفت و بخصوص تناقضات اخلاقی ایدئولوژیک - تشکیلاتی تا شیر منفی بر حرکت گروه بجای گذاشت. مدتی را که گروه برای تدقیق مواضع خویش در نظر گرفته بود، بدون یک برخورد فعال و در پروسه حرکات خود بخودی و عملگرای سبزی گشت، اگرچه در همین دوران گروه جدا قل توانست با تزا شتلافی تشکیلات گدار و تز سکتاریستی قطبهای ایدئولوژیک - تشکیلاتی به مرز بندی برسد و با درکهای راست در پوش چپ مرز بندی کند. بخصوص گروه در ارزیابی خود بدین نتیجه رسید که موضع رزمندگان بر روی سوسیال امپریالیسم ناشی از عده هنده تزلزلات رویزیونیستی بوده و جنبش کمونیستی را در مقابل آنها جسم ایدئولوژیک رویزیونیسم آسیب پذیر مینماید. عدم تحرک گروه در عرصه تشویریک باعث میشد که به جمع بندی تجربیات مبارزاتی - کارگری خویش کم بها، دهد و در مبارزه ایدئولوژیک بهر علیه انحرافات غیر فعال بماند.

در تمام این مدت ضرورت وحدت در گروه احساس میگردید اما بدان برخورد فعالی نمیشد گروه در ادامه حرکت خود با زهم گسترش حیطه های فعالیت خود دست زد. بی آنکه رابطه تحکیم و

به سرعت وارد عرصه فعالیت میشود. به تریس رفقای محفل وارد کارخانجات میگردند و در کنار آن آموزش ابتدائی و پروسه برخورد با پیکار را پیش میبرند. رفقای محفل به سبب پتانسیل فوی مبارزاتی و خصلتهای توده ای و کینه عمیق طبقاتی و همچنین روحیه آرمائوخواهان در فعالیت عملی خود به سرعت به موفقیت دست مییابند، ولی محفل که همچنان اسیر خصلت گراتی ها بود به سبب درک محدود و خبیثش از مارکسیسم و وظایف جنبش نتوانست جایگاه خویش را در جنبش شنا سد و وظیفه میر خویش که مبیاست حرکت در جهت وحدت میسود، درک نماید.

پروسه خود بخودی برخورد با رفقای پیکار بر سر اختلافات جزئی پس از چندین ماه دچار بن بست میگردد. علت اصلی این امر چنین بود که اولاً برای محفل مسئله وحدت معنی نشده بود و بخاطر محدودیت دید خود را به اصولاً سبب جنبش کمونیستی، درکی مطلق گرایانه از وحدت داشت. بقایای جنبش خصلت گرایانه گذشته سبب میگشت که بر روی خصلتها و خصوصیات افراد تا کیدورزد. موفقیتهای عملی محفلی و مقایسه خود با دیگران در همان حیطه باعث گردیده بود که به خود و توانائی خویش پرهیز، دهد و در کسب خود بینا نه نماید. این دوا مرعیتی خصلت گراتی و محدود نگری برخورد را به بالا و غیر وحدت طلبانه را سبب میگشت. ریشه اصلی تمام این درکهای انحرافی در تحلیل نهائی از آنجا ناشی میگشت که محفل ما دید محدودی از ابعاد جنبش و درک نازلی از وظایف گسترده جنبش کمونیستی داشت جنبش کمونیستی را در همان محدوده فعالیت خویش می نگریست. و موفقیتهای محدود خود را به تمام عرصه ها تعمیم میداد.

از طرف دیگر با دیده ضعفهای رفقای پیکار نیز آزاره کرد. این رفقا فاقد تجربه لازم در برخورد به محافل بودند و بطور خود بخودی مذاکرات شرکت می جستند. برخورد فرمالیستی رفقا در این پروسه اساساً از عدم توجه و کم بها، دادنشان به وحدت و کار متمرکز و سنجیده روی آن ناشی میگشت.

در این مدت محفل سربما گسترش یافته و از نظر کمی رشد میکند. رفقای محفل به سبب قابلیتها و خصلتهای توده ای خویش نقش فعالی در رهبری حرکتهای اعتراضی کارگران ایفا می نمایند. شرکت در رهبری اعتصابات چند کارخانه، رهبری جنبش بیکاری و همچنین جنبش دهقان (بطور محدود) از دستاوردهای این دوره میباشد. گستردگی محفل، ضروریات سازماندهی نوینی را میطلبید که در سطح سازماندهی گروهی شکل میگرفت. در این زمان شکل، یفکرا اعلام هویت مباحثه شد. به این ترتیب، گروه بی آنکه در پروسه گذشته خویش جمع بندی همه جا نبوده بدون آنکه با تحلیل از اوضاع جنبش وظیفه میر خویش را مشخص نماید بدون آنکه چشم انداز وحدت را دقیق کند، اعلام هویت میکند. انگیزه این امر محدودیت کار تاشی و تا شیر گذاری فعالیت

کلیت دیدگاههای آن، اصول نظری محفل بر اساس مشاهده عدم کارائی و نفوذ مشی چریکی در بین زحمتکشان از یک طرف و با سیفیم محافل روشنفکری از طرف دیگر شکل میگیرد و از آنجا که فاقد درکی مارکسیستی بوده نفی هر روشنفکر و اساساً اهمیت عنصر آگاهی یعنی دانش م. ل. میرسد. محفل با شدت کار بردی را معیار انقلابی بودن میدانست و مبارزه با انحرافات تسلیم طلبانه و غیر پرولتری را در پروسه کار بردی می دید. از اینرو محفل کار در برین کارگران ساختمانی و کارگران معادن را در دستور کار قرار داد.

آرما نخواهی قوی و کینه عمیق طبقاتی محفل که ریشه در منشأ طبقاتی رفقای محفل داشت، تلاش خستگی نا پذیری را در جهت پیوند با کارگران ساختمانی باعث میگردد. اما به رغم تمامی این کوششها، فقدان زمینه عینی در این بخش از کارگران، کار را مکرراً به شکست می کشاند. محفل به سبب نفی ایدئولوژی و عنصر آگاهی بجای برخورد به سیاستها و پیشهای خویش، عدم موفقیت را در ضعف های خصلتی عناصر خود می جوید. و مبارزه با این ضعفها را شرط موفقیت تلقی میکند. چنین پروسه ای دگماتیسم قوی را در محفل بوجود آورده و خصلت گراتی را در محفل رشد میدهد. محفل ما تا سالهای ۵۷ - ۵۶ به تلاشهای بی ثمر خویش ادامه داد. در این زمان جنبش توفنده و انقلابی توده های خلق، ذهنیات نیروهای سیاسی را در هم میریزد و محدوده تنگ محافل را در می نوردد. محفل ما که جدا از جوسپاسی جامعه در میان عقب مانده ترین بخشهای کارگری کوشش میپوشد، متوجه این واقعیتها به نظر آید. جنبش می پردازد و با قیام پرشکوهِ خلق ناگهان بخود میاید. آرمانهای دگم شده محفلی در مقابل واقعیت مادی که مهریابل بر دیدگاه های پیش وارد میا وردا بتدا دست به مقاومت میزند و حتی نفی دیدگاههای کهنه را رویزیونیستی تلقی میکند. اما در برخورد فعال و واقعیت را میپذیرد در این زمان محفل اگرچه به نفی مشی گذشته خویش دست میزند، اما این نفی تمام عرصه ها و در بر نمیگیرد و تنها بجای کار در برین کارگران ساختمانی، فعالیت در برین پرولتاریای صنعتی در دستور کار قرار میگیرد. عقب ماندگی فکری - تشویریک محفل کاملاً شناخته نمیکردد. مشی شبه نارودنیکی به درکی محدود و اگونومیستی از وظایف تبدیل میگردد. در این زمان محفل با چند تن از روشنفکرانی که از خارج کشور بازگشته بودند آشنا میگردد. این رفقا تحت تا شیر آرما نخواهی و خصلتهای مبارزاتی محفل، بدان می پیوندند.

این هنگام متقارن بود با روحیه وحدت طلبانه در سطح جنبش و تشکیل کنفرانس وحدت. محفل نیز در مدار ارتباط با برخی نیروها برمی آید که تنها برخورد با رفقای پیکار را دامه مییابد. در این زمان ترکیب جدید محفل مدت کوتاهی را صرف آموزش اعضا خود میکند، لیکن

بقیه در صفحه ۷

ملاحظات کوتاه

شیخ کمونیسم

دوشنبه شب گذشته، بازتولیزون "ناپرهی" کردوفیلی دیدنی از مبارزات مردم آفریقای جنوبی علیه آپارتاید و مبارزات مبارزان را به نمایش گذاشت. این فیلم هر چند جوانب محدودی از مبارزات حماسه آمیز قهرمانان نه خلقی تحت ستم آفریقای قرن بیستم نشان میدهد، ولی یک نکته بسیار بارز در آن نمایان بود: **وحشت آپارتاید**، مبارزات مبارزان و اعمال دست نشانده آنها از کمونیسم. ما رکن بنیادگذار سوسیالیسم علمی در پیش از مدال پیش بر پیشانی ما نیست نوشت:

"شیخی در اروپا (و امروز با دیدگوشم در سراسر جهان) در گذشت و گذار است، شیخ کمونیسم، همه نیروهای اروپای کهن برای تعقیب مقدس این شیخ متحد شده اند: پاپ و تزار، مترنخ و گیزو، رادیکالهای فرانسه و پلیس آلمان. کجاست آن حزب اپوزیسیونی که مخالفینش که بر مسند قدرت نشسته اند، نام کمونیستی روی آن نگذاشتند؟... "از این امر دو نتیجه حاصل میشود: همه قدرتهای اروپا اکنون دیگر کمونیسم را بمثابه قدرتی تلقی میکنند، حال شما ما وقت آن در رسیده است که کمونیستها نظرات و مقام و نمایان خویش را در برابر همه جهان نشان آشکارا بیان دارند و در مقابل افسانه شیخ کمونیسم، ما نیست خود حزب را قرار دهند." سرما به داران و دشمنان طبقه کارگر در هر لباس و چهره ای که باشند، وحشت از آن "شیخ" خواب راحت را از چشمشان میگیرد. بی جهت نیست که رژیم جمهوری اسلامی اینقدر از کمونیسم میترسد. حتی مجاهدین خلق را هم در رابطه با نزدیکی به کمونیستها اینقدر مورد حمله قرار میدهند و آنها را تحت فشار میگذارند که اول رابطه - تا آن را با کمونیسم مشخص نکنند و کمونیستها را "نجس" بدانند تا جواب سلامت را بدهیم! اما امروز کمونیسم دیگر شیخ نیست، واقعیت است و سرانجام آن سرما به داری را خواهد گرفت.

با وعده بهشت، جهنم برپا می کنند

نیروهای ضد انقلابی حاکم بر دودکش ایران و عراق جهنمی برافروخته اند که هیچ کس از آن زحمتکش و سرمایه های ملی هر دو کشور است. گروه گروه از زنده های ستمدیده و زحمتکش ما به این جهنم سوزان و ویران کننده گسیل میشوند و به آنها گفته میشود که به بهشت میروید. وقتی ما جمع را می بینیم که از طریق گسترده ترین

چرا همه فرماندهان ارتش "حر" اند؟

فهمید!

به همین ترتیب تیمسار رمدنی و تیمسار کز و تیمسار بارق و سرهنگ فکوری تیمسار ظهیر - نژاد و تیمسار فلاحی و... نیز همه "حر" تمام گرفتند و کمونیستها و دیگر انقلابیون که چهره واقعی این فرماندهان را افشا میکردند، "ضد انقلاب" و "کافر" و "منافی"!

با این وضع مردم ما حق دارند از سران رژیم جمهوری اسلامی سوال کنند که آقایان؛ اولاً: چگونه همه فرماندهان جنا پتکار ارتش شاهنشاهی یکباره "حر" شده اند؟

بنا بر این عده "حر" میباشند چرا وقتی ما هیت آنها توسط نیروهای انقلابی افشای می شود با فاصله اندکی، از مناصب خود، معزول می گردند؟!

- های عربی و صهیونیستی (در فلسطین) بود که گره در خراج افتخاری بسیار بسیار و لیکن در داخل دستاویزی شد برای اعلام حالت فوق العاده و برقراری حکومت نظامی و قلع و قمع مخالفان. (از خاور میا نه چه گذشت "مفحه ۴۳۱")

استفاده از فرصت خارجی برای سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیستی داخلی در ایران. نیز بارها عملی شده است. مثلاً بعنوان "مبارزه با آمریکا" و "حمایت از فلسطین و روز قدس" به کردستان لشکر کشی میکنند، بعنوان "مقابله با تاج و عراق" به خلق کرد حمله می نمایند، به عنوان جنگ با عراق، سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی داخلی و ایجاد جو خفقان پلیسی را در دستور میگذارند. تا دل آسوده نظامی را به داری وابسته را با زبانی نموده طبقه کارگر و دیگر زحمتکش را سرکوب سازند. در عراق، رژیم نوری سعید از فرصتی که تازه گردید استفاده دیگری نیز کرد و آن اینکه افسران بیژن و مترقی نظیر عبدالکریم قاسم را بعنوان گوشت دم توب به فلسطین فرستاد تا از "شر" آنها راحت شود.

(۲) - رجوع شونده کتاب "جنس انسانیت - لیستهای عرب" از نشریات جنبه خلق برای آزادی فلسطین.

دستگیر شده اند میتوانستند عراق را بمباران کنند. بنی صدر از داستان کل انقلاب میخواهد که تعدادی از خلبانان کودتای را آزاد کند. داستان از این کار امتناع کرده، بنی صدر پیش از ما میبرد و مسئله را با او در میان میگذارد. امامی نامه ای از داستان میخواهد که آنها را آزاد کنند. بنی صدر به زندان رفته با خلبانان در مورد آزادیشان و شرکت در جنگ صحبت میکند و سپس آنها را آزاد میکند!

واقعاً چرا رژیم جمهوری اسلامی افسران سلطنت طلب را به خدمت میگیرد؟ زیرا همه - بخشهای ضد انقلاب دارای منافع مشترکی در برابر توده ها و انقلاب میباشند.

وقتی سرهنگ توکلی اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی شد و کمونیستها و نیروهای انقلابی، سابقه همکاری او با ساواک و غیره را افشا کردند، با زرگان و آیت الله خمینی و دیگر قدرتمندان رژیم جمهوری اسلامی گفتند که او "حر" است و شما کمونیستها "ضد انقلاب"!

وقتی پتداین جناب بر روی آب افتاد و تیمسار قهرنی عامل معروف آپارتاید آمریکا جای او را گرفت، باز در مقابل افشای انقلابیون گفتند و نیز "حر" است! وقتی تیمسار رفیعی بجای او آمد باز در جواب ما که وابستگی او به آپارتاید آمریکا و کتبا و در تجمید نظام شاهنشاهی و سبزه ها و محمد رضا را افشا کردیم (بیکار ۶، مورخه ۱۴ خرداد ۵۸) گفتند این یکی نیز "حر" است و شما "ضد انقلاب" ها این را نمی -

بقیه از صفحه ۱۱ نگاههای به...

(۲) - در دوران جمهوری اسلامی "مدرسه است (و این طبیعی است) که قضا پای تاریخ را از عینک فعالیت روحانیون ببینند. بارها شنیده ایم که از نقش رهبری روحانیون شیعه عراق در انقلاب ۱۹۲۰ و ۱۹۴۸ سخن میگویند. ما در جای دیگر شاید به تفصیل بتوانیم سخن بگوئیم ولی گفتنی است که توهمات توده ها در عراق (همانند ایران) که روحانیون را برای سواری بر موج قبا مهیای توده ای از خانه ها و حجره ها بیرون میبرد، جزیه سازش با ارتجاع نباشنا نمیده است. مثلاً دوروز پس از استعفا مالک جبر، بقول تاریخ نگار: "تشکیل کابینه به سید محمد صدر (از خانواده آیت الله صدر) یکی از ناسیونالیستهای شیعه و آغاز شد. گره نخستین جلسه هیات دولت، لغو کامل و نهائی پیمان پور تسموت را اعلام کرد ولی بحران و آشوب سراسری چندان آرامشی که ما به دلگرمی زما مداران عراق باشد پدید نکرد. در تاریخ ۱۵ مارس پیمانی همانند پور تسموت میان اردن و انگلیس بسته شد و این ما به دیگری برای برافروخته شدن آتش خشم سراسری بود. در این هنگام تنها روزنامه "فیه" که پیرای حکومت عراق پیداست هیچگاه ما ده ۱۹۴۸ ارتش

بقیه از صفحه ۱۷ منتخبی...

سر تپ صباحت، خوب است بگوئیم برگردیدگی چه کسی است تا بیشتر او را بشناسیم: برگردیدگی کسی است که او بیسی جلاد را با هوا پیمای اف - ۵ از ایران فراری داد و به اسرائیل رسانید.

آزادی خلبانان کودتای یکی دیگر از خیرات جنگ

در هنگام حمله همه جانبه هوایی عراق به ایران، بنی صدر به نیروی هوایی رفته است تا نیروها را از بیایی کند در آنجا به او گفته میشود که تنها خلبانانی که در رابطه با کودتا

ملاحظات کوتاه

وسائل تبلیغاتی آنچنان تهییج کننده، توده‌های توهم‌زده را به بهانه‌های دت به کام می‌فرستد، وقتی هاشمی رفسنجانی را می‌شنوی که مردم را به امید اینکه در آینده به زیارت کربلا خواهند رفت تشویق به تحمل مماثلت طاقت فرسا و مرگ و باطلاح شهادت می‌کند و به مسلخ می‌فرستد و... چاره‌ای ندارد جز آنکه از اینهمه سوء استفاده که از احساسات ما دفاعاً نه‌وا انقلابی توده‌ها علیه منافع واقعی شان انجام می‌شود احساس نفرت کنی و با توده‌های زحمتکش و کارگران و روستاییان انقلابی آنان را بی‌مانع می‌بینی که دشمنان آنان را در هر لباس و چهره‌ای که باشند افشا کنی و در مبارزه قاطعانه با آنها لحظه‌ای تردید و رانداری

صفحه کشف خانه‌های تیمی!

صفحه‌فروشیها "از برکت انقلاب اسلامی" تعطیل شده اما یک صفحه‌را که پرویز شایان خاشن بدان بسیار علاقه‌مند بود هنوز طرفداران زیادی دارد. با دانا هست هرا چند وقت "مقام امنیتی" می‌بایدشت تلویزیون و از کشف خانه‌های تیمی و "وابسته‌ها مشروع" و متلانی شدن یک گروه کمونیستی و تروریستی "حرف می‌زد و عکس و فیلم‌ها را در روزنامه‌ها می‌آوردند. آن "صفحه ۳" نقدگر را شده بود که دیگر چندان آبرودار نبود. بالا هم در روزنامه‌ها هر چند روزها می‌آوردند. اما در جمهوری اسلامی پیش چشمان می‌گذارند که:

یک خانه تیمی کشف شده است و در آن مثل قوطی عطاری همه چیز را بافته اند از اعلامیه‌های فدائیان و مجاهدین بگیر تا نشریات کمونیستی پیکا رو کوله و دمکرات و عکسهای شاه و فرج (ردالت را ببینید!) و بالاخره دختر و پوری در آنجا بوده اند و قرص ضدابستنی و...! همین و "صفحه ۳" تمام می‌شود.

و توجع می‌کنی که چرا از این دروغهای گویلیزی بیشتر نیافته اند؟ می‌گویند یکی که حرف حساب می‌زد چند کلمه گفت و ساکت شد و دومی که دورغ میگفت پس از مدتی وراجی خسته شد و ایستاد و طریقی به ادب گفت: اولی که حرف حساب داشت حق داشت ساکت شود اما تو چرا ساکت شدی؟! آقا باین! اگر شایان از این دروغها طرفی بست شما هم می‌بندید!



ایران و عراق توسط عراق تعطیل شد یا دکرده - ایدولی ننوشتند یا بدکه چه کسانی در ایجاد و دلاره این رادیوهای مخفی نقش اساسی و فعال داشتند. آیا آنها جز رفقای ما بودند؟

این را هم نگفته یا بدکه زما نیکه رفقای ما در زندان بغداد شکنجه می‌شدند (رجوع شود به صفحه ۱۰) اما حبه با رفیق حسین روحانی، زما نیکه رفقای ما به فعالیت انقلابی و مخفی خود در زیر پوشش - های مختلف منحل در پوشش فدائی فلسطینی در عراق هم علیه رژیم شاه و علیه خمین رژیم بعثی عراق مشغول بودند شما چه می‌کردید؟ می‌بازره انقلابی علیه امیرالاسم و ارتجاع در ایران و در دیگر کشورهای منطقه برای ما امرتسا زده‌ای نیست، ما بقه ما لیا ن دارد.

در آخر سرمقاله کذاشی اطلاعات، با ارائه درک تخریب شده‌ای از "جنگ داخلی" به ما حمله کرده و آنرا "دم‌خروس" نامیده است. همه منظور که ما با رها توضیح داده ایم، منظور ما از جنگ داخلی نه آنطور که شما می‌خواهید بگوئید، بمعنی برادر - کشی، بلکه دقیقاً بمعنی جنگ داخلی در میان همگنان و ستمدیدگان یک کشور علیه سرمایه داران و نیروهای ضد انقلاب خودی است. جنگ در چین، روسیه، نیکاراگوئه و... جنگ داخلی است. ما شما را جنگ داخلی را بعنوان یک شعار استراتژیک در شرایطی که موقعیت که انقلابی فراهم شده است، نه امروز، مطرح می‌کنیم. آنچه منظور ما است تدارک برای چنان جنگی است و از طرح این شعار، نه تنها ابایی نداریم، بلکه آنرا وظیفه انقلابی خویش میدانیم. شعار "برقراری دهمپه‌وری دمکراتیک خلق" که از پیش از قیام و بعد از آن مطرح کرده ایم جز بمعنی مبارزه انقلابی زحمت - کشان برهبری طبقه کارگر در راه ایجاد آن جمهوری نیست.

روند مبارزه طبقه‌ای که مسلماً به پیروزی طبقه کارگر خواهد انجامید نشان خواهد داد که "امریکائی" چه کسانی هستند! ما با زهم تکرار می‌کنیم که مبارزه با امیرالاسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست!

★ ★ ★

بقیه از صفحه ۸ لهستان...

دیگر است. بدین لحاظ اگر نیروهای کمونیستی لهستان فعالیت سیاسی و سازمانی خود را در میان کارگران گسترش ندهند، اگر آن - گان بورژوازی، حزب و دولت حاکم را وسیع افشا نکنند و در جهت سرنگونی آن فعالیت پیگیر نکنند اگر کوششهای بورژوا، لیبرالها و مرتجعین مذهبی را رسوا سازند، و اگر سوسیال امیرالاسم روس و امیرالاسمهای غربی، رویونیستهای چینی را بر ملا نکنند، مبارزات پرولتاریای لهستان به انحراف کامل درخواهد غلتید. کمونیستهای لهستان باید بگویند تا جنبش کارگری را بر برهبری خود درآورند. این است تضمین پیروزی پرولتاریای لهستان در مبارزه علیه بورژوازی حاکم.

بقیه از صفحه ۱۰ پاسخی...

از طریق دادن زدن به اختلافات قرون وسطایی مذهبی و افروختن جنگهای ملیتی، بلکه از طریق حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان عراق و نمایندگان سیاسی آنهاست.

شما وقیحا ننوشتند یا بدکه ما یکطرفه جنگ را یعنی ایران را محکوم کرده ایم (۱) در صورتیکه موضع انقلابی ما علیه رژیم بعثی و ضد خلقی عراق نه از امروز بلکه از سال ۵۴ و ۵۵ در سطح منطقه خاور میانه پخش شده است. ما تنها نیروی سیاسی ایرانی بودیم که درباره اختلافات ایران و عراق و محکوم کردن رژیمهای شاه و صدام حسین ننوشتیم به زبان فارسی بلکه به عربی نیز کتاب منتشر کردیم. کاری که بسیاری از نیروهای مبارز منطقه عربی جرات را نداشتند ما را کوب خلق کرد در عراق، اخراج فاشیستی هزاران نفر - راز ایران را نشان می‌دهد عراق چه در سالهای گذشته و چه در دوره اخیراً همواره محکوم کرده ایم. ماطی همین جنگ اخیری دو شرکت به زبان عربی از سربازان و زحمتکشان عراقی خواستیم که سلاحهای خود را به بر روی زحمتکشان ایرانی بلکه علیه رژیم ارتجاعی بغداد بکنند. بد نیست حداقل به ورق باره "پیام جمعه" که حالا بجای "منافق" از سوی حزب جمهوری اسلامی منتشر می‌شود نگاه کنید تا در شماره ۱۵ مهر آن تراکت ما خطاب به "سربازان درجه داران و افسران انقلابی و میهن پرستان عراق" را که آنان را دعوت به قطع این جنگ غیر عادلانه و تبدیل آن به جنگ علیه ارتجاع حاکم بر عراق می‌نمایید ببینید! این شما هستید که با اصطلاح "مبارزه علیه رژیم صدام" را با حرکت از بعثی و "کافر بودن او" و از موضعی ارتجاعی در این اواخر شروع کردید. این شما هستید که چون دستان به خون خلق کرد آغشته است در برابر آنهمه جنایات بی حساب رژیم عراق علیه خلق کرد در آن کشور کسوت کرده اید.

شما از تعطیل رادیوهای میهن پرستان، سر و سر و روایت مبارزه کرد در سالهای گذشته علیه رژیم شاه فعالیت می‌کرد و پس از قرارداد بین

بقیه از صفحه ۲۲ سفر...

دست بشوید، اما بخصوص در سطح رهبری حزب آزادی گروگانها مورد تصویب قرار خواهد گرفت) واقعیا نشان می‌دهد که هر چند امیرالاسم آمریکا می‌کوشد از این جنگ در جهت تضعیف جناحی از رژیم بهره گیری نماید، ولی در عین حال عاملی برای عادی کردن روابط با امیرالاسم خرید سلاحها، قراردادهای بیشتر با ارتشها و اقتصادی وظایف و... خواهد بود. سخنان هفته پیش رهبری آمریکا و سخنان متقابل راحشی این واقعیت را تأیید می‌کند. اگر چه دشمن غیر مترقبه دیگری رخ ندهد، جنگ غیر عادلانه کنونی فرصت مناسبی به رژیم می‌دهد که برای عادی تر کردن روابط با آمریکا، گروگانها را آزاد کند.

بقیه از صفحه ۲۴ سفر...

در حرف بوده یا: بر عمل؟ شما نماینده‌های دروغین
فدا میربا لیبستی بعثت را می‌بینید، نماینده‌هایی
که بسیار بر طمطراق تراز نماینده‌های خود نشان
برده است (تعلیمات تیر و حروصا برای فلسطینها،
دادن رادیو به محافل فیسین رژیم آمریکا شایه و
تشکیل هیئت مصلح فدا میربا لیبستی و...) اما
"دروغی شعار و عمل" خودتان را می‌بینو! فدا
بناچاره رژیم! آهنگام که با دکنگ مبارزه
با امیربا لیبس را با دکنگ، نمیدانست که
هنگام آزادی آنها را با دکنگ می‌ترکند.
شوکیدن این با دکنگ نه تنها رژیم بلکه
روبروینسهای خاشن بوده‌ای به جهانی ر
اکثریت فدائی را نیز رسوا میکند و برده از
گرایشات روبروینسی: سروهای چگون
رزمندگان نیز می‌داند که این با دکنگ را
مبارزه فدا میربا لیبستی دیده بودند و پشت این
با دکنگ، تلاش رژیم را برای تثبیت سرمایه
داری وابسته، غربت توده‌ها و دامن زدن به
توهمشان منحرف کردن ذهن توده‌ها از مبارزه
فدا میربا لیبستی و کتب آماجگی بیشتر برای
سرکوب انقلاب را نمی‌دیدند.

سوم - اعلام آماجگی و طرف برای نمایش

اگرچه شروع نمایش فقط یکطرف (حزب
جمهوری) تمایل داشت، اکنون برای پایان
دادن آن هر دو طرف اعلام آماجگی میکنند!
اعلان رفتن رجائی به نیویورک، خود چراغ سبزی
به امیربا لیبس آمریکا برای آزادی گروگان
ها بود. مسئله گروگانها که از طرف از موضوعی
انقلابی ایجاد نشده بود، از طرف دیگر برای
آمریکا نیز زیاده‌خواش نبود و حزب جمهوری
کوشیده بود از مسئله گروگانها برای تقویت
خویش در هیئت حاکمه استفاده کند و توده‌ها را
بفریبند اگر چه از این لحاظ سود خدائی از رژیم
جمهوری اسلامی بود، اما بی آنکه خود بفواهد
با زبانی کامل و همه‌جانبه سرمایه‌داری وابسته
را دچار مشکلاتی مساخت، امیربا لیبس آمریکا
ولیرا لیا به خاطر این مشکلات آن را درست نمی-
دانستند. در حالیکه جناح حزب جمهوری برای
تقویت موضع خود آن را لازم میدانست. اما اکنون
حزب جمهوری نیز که استفاده تبلیغاتی خود را
از آن به اندازه کافی کرده است، خود را آماده
میکند به مسئله خاتمه دهد. چرا که مسئله تحریم
اقتصادی و نیز احتیاج به وسایل یدکی و تسلیحات
جنگی برای مقابله با عراق در سیستم اقتصادی
وابسته ایران، مسائل بی‌اهمیتی نیستند و
حزب جمهوری نیز که مانند لیبس را لیا، در جهت
بازسازی کامل سیستم سرمایه‌داری وابسته
میکوشد، نمیتواند نسبت بدان بی‌توجه باشد.
چنین است که آقای کارتر، ماسکی، برزینگی و
خلاصه همه کله‌گنده‌های "امیربا لیبس" آمریکا در
هنگام رفتن رجائی به نیویورک، برای نشان
دادن محبت خود به رژیم جمهوری اسلامی، تا آنجا
میروند که عملاً در جنگ ایران و عراق به حمایت

از رژیم ایران سرمایه‌بند، آنها عراق را معازر
مینامند و اخطار میکنند که از تحامیت ارضی
ایران حمایت کرده، تحریر آن را تحمل خواهند
کرد. آنها آماجگی خود را برای انواع کمکهای
تسلیماتی و... برای جنگ ایران را داشته و آنرا
مشروط به آزادی گروگانها میکنند و در نقطه
قابل آقای رجائی نیز حل مسئله گروگانها را
را به آمریکا توید میدهند و سخنان آشتی جویانه
و ملاطفت آمیز بر زبان می‌آورند. رجائی در
مباحثه مطبوعاتی در نیویورک میگوید:

"فکر میکنم که دولت آمریکا باید همه‌انظوری
که تظا هریه آماجگی برای حل مسئله کرده
است، در نظر داشته باشد که برای یکبار هم
شده به تمهیدات انسانی خویش حمله عمل
بپوشاند... میدوادم در مقابل حرکت
انسانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی
ایران، دولت آمریکا تمهیداتی را که هم
اکنون برای انجام آنها اعلام آماجگی
میکند، فراموش نکند." (اطلاعات ۲۷ مهر)
رجائی آزادی گروگانها را با زبانی
دنیلوما تیک حرکات انسانی نام مینهد و در
همین مباحثه میگوید: "مجلس شورای اسلامی
با درک کامل نسبت به احساس غنا و ده‌های این
زندانیان "مسئله را دنبال میکند.

پس از آنکه رجائی به ایران بر میگردد نیز
قول و قرارها تکرار میشود. او در مباحثه اخیر
خود در ایران آزادی گروگانها را بطور عریض
و عده میدهد، منتها قسم می‌خورد که ربطی به مسئله
خرید و ساتل یدکی ندارد (که به زبان دیپلماتیک
یعنی دارد!) او میگوید:

"آزادی گروگانها ربطی به جنگ و وسایل
و قطعات یدکی ندارد... ما گروگانها را
مساله نمیدانیم و برای ما مسئله نیست و
اکنون نیز در حال حلش هستیم... ما به
نتیجه‌ای که از گروگانگیری انتظار
داشتیم رسیدیم..." (کپهان ۳۰ مهر تا کید
از ماست)

پس آنهمه تبلیغ مبنی بر محاکمه آمریکا
اعدام جاسوسها و... که رفت؟ آری، با دکنگ
دارد مشترک!

چهارم - اول نمایش: شیطان بزرگ،
آخر نمایش: تکامل معنوی

هنگام گرفتن سفارت خا طرتان هست، به
آمریکا چه می‌گفتند: حالا گوش کنید آقای رجائی
سخن از حسن نیست و تکامل معنوی امیربا لیبس
میکوشد:

"من این مطلب آخر را بعنوان نشان دادن
آن از حسن نیست دولت آمریکا در زمینه حل
مسئله بحران بین دولت آمریکا و مردم
ایران میدانم." (اطلاعات ۲۷ مهر)

آقای "فدا میربا لیبس" بحران در لیبس
آمریکا و مردم ایران فقط با ناسود امیربا لیبس
حل میشود. امیربا لیبس نمی‌تواند حسن نیست

داشته باشد. شما که تا دیروز برای قرب مردم از
شیطان بزرگ محبت میکردید، امروز شروع به
تلهیرا میربا لیبس کرده‌اید! این شیطان حسن
نیست فائل میشود! شرم! ورنه از این مسئله
توبه امیربا لیبس است آقای رجائی سخت ورور
"فدا میربا لیبس" میگوید:

"اجرای این شرط (یعنی عذرخواهی آمریکا
- پیکار) به علت انسانی بودنش، نه تنها
ساده‌تر از سایر شرایط شده است، بلکه
میتواند بعنوان یک قدم برای جلوگیری از
تجاوز در آینده تلقی شود و به اعتقاد ما یکی
از مراحل توبه که سنا نه یکا مل معنوی یک
دولت می‌تواند باشد، تلقی خواهند شد."

(اطلاعات ۲۷ مهر)

پس اولاً امیربا لیبس آمریکا، شرایطی
را که انسانی تراست ساده‌تر می‌شود. تا سنا
اگر امیربا لیبس عذرخواهی کرد، این یک قدم
برای جلوگیری از تجاوز در آینده است (انگار
امیربا لیبس قول و قسم می‌دهد که چیست؟)
ثالثاً و از همه مهمتر امیربا لیبس میتواند توبه
کند و سنا مل معنوی دست بآید!

و اقامه آقای رجائی خلی فدا میربا لیبس
است! امیربا لیبستی که آقای رجائی تعریف
میکند انسانی است، سنا مل پیدا میکند و اگر
قول بدهد کاربندی انجام نمی‌دهد! اما اخیر
آقای رجائی، توده‌های مارانی توانی قریب
بدهی خون هزاران شهیدمیهن ما را سرانگشتان
این امیربا لیبس "انسانی" آمریکا می‌چکد و
رنج و استمنا و فقر و محنتگان میهن مساک و
میلیونها تن در سرا سر جهان ناشی از ما هیست
کشید این امیربا لیبس خونخوا راست. در ذات
امیربا لیبس تاج و زینته است امیربا لیبس اگر
توبه کند، می‌میرد. آتش آنقدر شور بود که حتی
لیبرالهای از قماش بزدی و دامادش نیز به
آقای رجائی در مورد امیربا لیبس درس میدهند.
لیبرالها به رجائی می‌گویند توبه گرگ مرگ
است. آقای رجائی آنقدر در تعلق گویی به
امیربا لیبس جلورفت که به لیبرالها جهت
عوا مفریبی بیشتر امکان مخالفت خوانی داد.
حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان مجلس صافرت
رجائی و استانبولی امیربا لیبس را تقدیر
کردند و نشان دادند که پشت سر این سخنان رجائی
ایستاده‌اند.

کلام آخر - جنگ، جمهوری اسلامی و
امیربا لیبس را پیش از پیش بهم جوش میدهد

با بداند است، گذشته ارتعایل عمومی رژیم
به آزادی گروگانها که در جراحی شرط نازل آبت -
الده‌خمتی نیز مشهود بود، جنگ این مسئله را
تسریع بخشیده است. (با بداند است که احتمالاً
جناحی از حزب جمهوری اسلامی کماکان بر عدم
آزادی گروگانها بی‌فشاری خواهد کرد. چرا که
حاضرخواهندند هنوز هم از این کالای توهم آور

بقیه در صفحه ۲۰

دولتی صحوا ہدکھ :

همه روز نیست حضور غیاب کارکنان حدود
را در پایان وقت اداری به استناد ری
سال کنند، و به کارکنان اطلاع میدهند که
در صورت عدم حضور در اداریات مربوطه تضرر
خوار از زمان جنگ با آنها قرار نگیرد".

شماره ۱۲ مهر ۱۰۸۰

آن روز وپورس مملکت را از روز بدان
جانی اردان امور مکیا داد ایثارا نام
بسم و زلفی ها سید! با سیداری
سویبر راز همای خوراسی ان عقب -
سیدو سوارس ناسوی رمان جگر را شرح
کار سدان با سید میگند، (جمهوری اسلامی ۲۶ مهر)
اما جمیع سزاران سالد سیمب در نماز جمعه
سکاسی کدر سار ساسکهای دولتهای ارجاعی
ایران و عراق دارودار خود را کرده و سید
سزار کوچ کرده اند، بر سس سسها را دادیم
و از مردم سزار و سجاد سیمو سید که سزار روی
سار ان کوچ سسکان - سسید! اسپاه
با سداران سزار سیر طلی اطلاعاته های مردم حک
- زده سوب را کده خا سس سس کوسب دم سس -
جمهوری اسلامی سوسد، "وطن فروان سس -
و سس سس سس و سس سس سس سس -
سرسب سس سس در سس سس سس سس -
سسا سس سس، او در اطلاعاته ان مردمی را کده -
ورسکی خود را کرده و از رهبرها و روس سس
سسا سس، سسا سس سس سس، در ان سس
آمداد سس کده اگر کسی بخل خدمت خود را سس
کده، ان عمل سسرله سس سس سس و
چسب سس سس سس سس سس! زمان سس سس
سس

برای موروزای خان مردم شیرازی
ندارد. از دیدگان رحیمیان برای اس خود
گدیر و لیسای را بدو تنب اسمازان
حبس را بداد را اسود و در هکام حکم
اس رحیمیان اسود گدیر اسود
اسود اسود

آری راجه پیران اخلاقی سید پاک
رحمکن
لکدار پوت رحکن سرغوان شاد
برای ... زار خود و دود خود
برای ... زنی که رحمکنان در زاد
ماتن ... رحکنان کوشای
دم سوب حوس مسجد کداندای جس و عدد های
سهادت و ... بر زبان دادا اما اگر حواس
در راه ماتم بر آید ازان سر بد انداخت
و تو کرکن ...
برای که ... دکان سرد آستنی
برای روسخسوی ... برای تشیی بوده ها
...

خون زحمتکشان و کودکان وثیقه جنگ سرمایه داران

حمله موئکی دیروز به دزفول و بیماران هفته گذشته کرمانشا که از سوی رژیم جنایتکار رعبت صورت گرفت، منجر به شهادت صدها مرد و زن زحمتکش و دانش آموز خردسال گردید. شهادت این عده و بسیاری دیگر از زحمتکشان ایران و عراق در این جنگ، بار دیگر نشان داد که این زحمتکشان دو کشورند که گوشت دم توپ و قربانی این جنگ ارتجاعی هستند!

"شهادت" "گوشت دم توپ کردن توده ها" "دکان پر درآمد جمهوری اسلامی"

راستی خون چند هزار نفر از زحمتکشان جمهوری اسلامی میچکد؟ کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه، اندیشک، دورود، ما شهر، انزلی و... همه و همه خاطر فرزندان دلاور بخون تنیده شان را غموار و بیاد دهنده اند. اما اشتباه است اگر فکر کنیم رژیم تنها قاتل این زحمتکشان بوده است یا سادات و سربازانی که توسط ارگانهای ضد خلقی ارتش و سپاه پاسداران برای سرکوب توده ها در کردستان و ترکمن صحرا کشته شده اند، نیز در حقیقت قربانیان منافع رژیم جمهوری اسلامی بوده اند. رژیم برای حفظ و حراست از سرمایه داری وابسته و ادا مع غارت و استثمار زحمتکشان به سرکوب انقلابیون و زحمتکشان میپرداخت و دلاوران قهرمان کردنیز چارهای ندارند مگر برای از بین بردن ستم طبقاتی و ارگانهای سرکوب سرمایه داری وابسته به مقابله برخیزند. بهر صورت این رژیم جمهوری اسلامی است که صخره منافع سرمایه داران داخلی و امپریالیستها نه تنها توده ها را سرکوب کرده، بلکه پاسداران و سربازان نا آگاه را نیز به گوشت دم توپ منافع خود تبدیل کرده است رژیم برای واداشتن پاسداران و ارتشیان به جنگ با توده ها، همواره از احساسات پاک مذهبی آنها استفاده کرده و با وعده بهشت و شهادت آنها را با صلااح به "جنگ با کفار" فرستاده است. این گوشت دم توپ کردن پاسداران، نظامیان و مردم توم زده نسبت به ما هیت رژیم که پیش از جنگ ایران و عراق نیز وجود داشت، اکنون ابعاد بسیار وسیعتری بخود گرفته است.

بقیه در صفحه ۲۳

یادداشت های سیاسی هفته

وعده پایان پرده اول نمایش ضد امپریالیستی به امپریالیسم

بود، چرا که شما عرفین المللی را شکستن و دعواهای دیپلماتیک و ظاهری بیانه و فحش دادن و کربان کردن دیپلماتها و... را می - خواهید مبارزه علیه امپریالیسم را بزنید و برای تکمیل نمایش لازم بود تا در این عرصه نمایشات دیپلماتیک شرکت نکنید.

شما آن را در شورای امنیت شرکت نکردید برای اینکه اول نمایش بود. در حالیکه الان شما دارید مقدمات با این نمایش را فراهم می - آورید و چنین است که شرکت در شورای امنیت، این بار نه به معنای سازش با امپریالیسم، بلکه موفقیتی بزرگ برای "اسلام" و "مکتب" جا زده میشود.

دوم - مبارزه "ضد امپریالیستی رژیم با دکنکی که دارد می ترکد!"

آقای رجائی در سخنرانی در شورای امنیت به مسئله حالی اشاره میکند، او در مورد عراق میگوید:

"در حالی که شعارهای تند صهیونیستی سر میدهد، هرگز قدمی عملی علیه منافق صهیونیسم و نیز آزادی فلسطین برداشته و بر نخواستار هدایت... اگر موضع ضد امریکائی بعث عراق از حد حرف تجاوز نمی کنند، چرا... آیا این چیزی جز یک ما مورست آمریکا با تظاهرند آمریکا نیست؟ مردم جهان بخوبی چنین شیوه ها را می شناسند، در همین سالهای اخیر بود که رژیم دست نشانده انگلیسی "یان اسمیت" را در رژیمها بهوشا هدیه بودید که چگونه به اربابانشان سازگفته و حتی به ظاهر به وی بیای می شود." (اطلاعات ۲۶ مهر)

پس آقای رجائی معتقد است که عراق در حرف ادعای ضد امپریالیستی داشته باشد امپریالیسم دشمن داده و حتی با آن قطع رابطه کرده، در تبلیغات خود بوق و کرنای جنگیدن با صهیونیسم و امپریالیسم داشته در حالی که عملاً چنین نبوده است. خوب آقای رجائی خودتان چه کرده اید؟ مبارزه ضد امپریالیستی خودتان

بقیه در صفحه ۲۲

سفر رجائی به نیویورک

اول شرکت در شورای امنیت

آقای رجائی نخست وزیر مکتبی، خط امام و به اعتبار رژیم و روزیونیستها "ضد امپریالیست" به نیویورک سفر کرد تا در اجلاس شورای امنیت شرکت کند.

رادیو - تلویزیون و مطبوعات وابسته به بوق و کرنای تبلیغاتی این مسئله را منعکس کردند و هیچ بروی خود دنیا وارد نداده چگونه شرکت در اجلاس شورای امنیت را در گذشته، رادیو - تلویزیون و مطبوعات زیر سیطره حزب جمهوری اسلامی، سیاست سازش با امپریالیسم و لیبرالیسم بنا نهاده بودند!

آقای رجائی نخست وزیر "منتخب همان حزبی است که هنگام ورود و ایلداهایم، رئیس سازمان "دول متحد" نه ایران، عکس دیدار این دلال امپریالیسم را با ناه و فرج انداخته و شورای امنیت را با قهرگونه ارزشی داشته، عدم شرکت خود را در این "ارگان زیر سلطه امپریالیستها"، یکی از مبارزات بزرگ علیه امپریالیسم قلمداد کرده بودند البته آقای رجائی که با روحانی های مخالفت با شورای امنیت را با طرد داشت، برای نگهداشتن ظاهر امر به شورای امنیت انتقاد کرد و گفت که برای رساندن ندای مظلومیت ملت ایران بگوش مردم دنیا به آنجا رفته است. اما یک سوال، به این عوام فریب را روی آب میآورد، چرا در جریان سفارت برای رساندن ندای مظلومیت ملت ایران به شورای امنیت شما مدیده، اگر آمدن شما به شورای امنیت هدفی جز رساندن ندای مظلومیت به گوش مردم دنیا نداشت، پس چرا خود را از این "تربیبون" در آتننگا محروم ساختید، چرا بنی صدر که با سیاست آمدن به شورای امنیت، پیست وزارت خارجه را پذیرفته بود، پس از دوسه روز جای خود را به قطب زاده دودیلندگوهای تبلیغاتی رژیم شرکت در شورای امنیت را سازش با امپریالیسم قلمداد کرد. به این حرف ها بهانه است!

شما آن را در شورای امنیت شرکت نکردید، چرا که این امر لازم به نمایش ضد امپریالیستی تان

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست